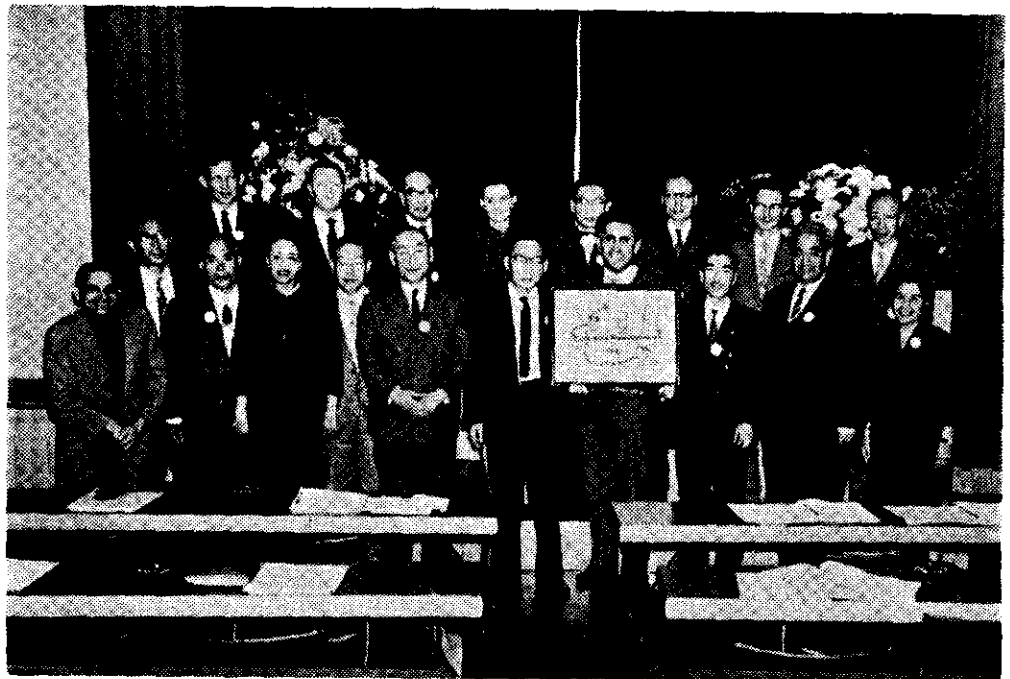


Handwritten text at the top of the page, possibly a date or page number.



اجاء قطعياً بايد پيچ حزبی داخل شوند و در امور سياسيه مداخله نمايند

حضرت عبدالبهاء

آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

شماره مسلسل ۱۷۷-۱۷۸

شماره نشر القول ۱۱۸ - آبان آذر ۱۳۴۰

شماره هشتم و نهم سال شانزدهم

فهرست مندرجات

صفحه	
-	۱- لوح مبارك حضرت عبدالبهاء جل ثنائه
۱۹۷	۲- در شهر ما متاع دین خریداری ندارد
۱۹۸	۳- تصویر حضرت عبدالبهاء (از کتاب عالم بهائی)
۲۰۰	۴- ابیادی امرالله - حضرت و قاضیه شهید
۲۰۴	۵- نظری بتعالیم اقتصادی بهائی
۲۱۰	۶- يك اقدام تازه
۲۱۱	۷- وقایع مهمه امریه در ممالک ساکنندیناوی و فنلاند
۲۱۸	۸- نامهای بفرزند
۲۲۰	۹- شهباز اوج عشق (شعر)
۲۲۱	۱۰- یادبود پنجاهمین سال سفر حضرت عبدالبهاء بکشور انگلستان
۲۲۳	۱۱- ندای الهی در اروپا
۲۲۴	۱۲- نمونه‌ای از خلوص و وفا
۲۲۵	۱۳- مبادی تاریخ - تقسیمات زمان
۲۲۸	۱۴- يك خاطره تبلیغی
۲۲۹	۱۵- آرزوی جانان (شعر)
۲۳۰	۱۶- معرفی کتاب (بدایع الاقار)
۲۳۲	۱۷- صفحهای از يك كتاب (از بدایع الاقار)
۲۳۴	۱۸- جدول آهنگ بدیع (شماره ۶)
۲۳۵	۱۹- آهنگ بدیع و خوانندگان
۲۳۸	۲۰- حل جدول شماره ۶

قرین بواسطه جناب میل حاجی محمد باقر

حضرت محمد درو جناب اعظم عظیم بهاء الله الالبکی

بمقام

در بیان حقیقت و برهان یطو لاجیندیر لایزال حسیع اطراف عالم بسیار است
 چندان عاقلانند که بطور شکر و سپاس از کسب و نسیب و نسیبند تا در کمال شکر و سپاس
 ضعیف اما اگر نفس را بطنین با بعضی است روح بقوه جادیه محبت تولد در صورت نایب و سر راه است
 مستقرین بوجد است که در کسب و نسیب از نسیب است براید با بر عبد است از کمال این نسیب
 در میان حاضر نمیدارم که جمیع جلال و کبریا در جهان نسیب و نسیب است
 قلوب مومنان گردند با نسیب و نسیب و نسیب است با نسیب و نسیب است با نسیب و نسیب است

در شهر ما

«متاع دین خریداری ندارد»

چند سال قبل در یکی از شهرهای بزرگ جنوبی فرانسه هنگامی که یکی از احباء بمدیر روزنامه ای مراجعه میکند تا از امر بهائی مطالبی در روزنامه اش درج نماید شخص مذکور در جواب اظهار میدارد: آقای محترم - معذرت میگویم متاع دین در شهر ما خریداری ندارد و قتی که یکی از نشریات امری را که مطالب فوق در آن ^{شده} شده بود میخواندم پیش خود فکر میکردم که چه موجبا غیرمشرقی میبایستی در دنیا فراهم بشود تا این بشر فاضل را متنبه و آگاه سازد چه وسایل محررالسقولی میبایستی مهیا گردد تا امر مبارک باین مردم مردی که تنها راه نجاتشان از این همه بدبختی و مصیبت فقط تسالیم مقدسه این آئین نازنین میباشد ابلاغ و تفهیم گردد - جنگ مرده - بلایای آسمانی - سوانح طبیعی - اینها همه افکاری بود که بخاطر م راه یافته بود و انصافاً هم جز این نبی بایست فکری بکنم چه مگر ممکن است مردی که این چنین منہمک در شهوات نفسانی و تعصبات جاهلیه گوناگون هستند فقط بصرف ابلاغ و دعوت متوجه حقایق معنوی روحانی گردند آنهم مردی که سالها است در فساد و مکاره نشو و نما کرده و بلا مذهبی و لاقیدی توجه نموده و بآن غو گرفته اند. این حقیقت تلخ را جمال قدم جل اسمه الاعظم ضمن آثار مبارکش سالها قبل بمردم دنیا اعلام فرموده اند قوله عزیزانه: «عالم منقلب است و انقلاب او بوما فیومانه رتزاید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فتره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأئیکه ذکر آن حال مقتضی نه ومدتی بر این نهج ایام میروند ((۰۰۰))

علی دروکار

با خود میگفتم تنها وسایل غیر منتظره عجیبه الهیه است که میتواند بر این آرزو و خیال جامه عمل ببوشد بعلاوه مگر نه اینست که مولانا جنون حضرت ولی امرالله - ارواحنا لله الفدا همین بیانی فرموده اند: ((که در محبوحه انقلابات دول و ملل و قبایل وام عظمت امرالله با سباب غیبیه و وسایل غیر منتظره عجیبه بختمه جلوه نماید))

این تنها راهی بود که بنظر من میرسید و آن فکر میکردم وقایع حیرت انگیز گذشته نشیخ طوفان نوح و نابودی شدن اقوام عاد و ثمود و غیره که مشابه آنها در اساطیر مذہبی بطور فراوان دیده میشود - کفار گناهانیکه مردم اروپا در دو جنگ بین الملل گذشته داده اند بیشتر این فکر را در من تقویت میکند که ثقل کفار دیگری را مردم بلادیده دنیا دیگر باره باید تحمل نمایند تا از لوث آلودگی ناشی از تمدن مادی و بی دینی پاک و میرا گردند.

مقصود اینست که در مصائب و بلاها حکمتها و رمزهای نهفته است که اثرات بعد از ظاهر و آشکار میگردند گویا اینکه نفوسیده منکر روحانیات هستند معتقدند که علقه های معنوی در نتیجه صنعت بشری است و میگویند اگر ناراحتی ها و غم و غصه های بشر از زمین برود شاید فکر دین و تمسک بآن نیز از خارات حو گردد غافل از اینکه این ناراحتی ها و غم و غصه های بشر خود زاده تمسک نبودن آنها با اصول و مبانی سامیه دیانت است و چون دین امریست داری کسب بفرموده مبارک مبتدیان آن لوازم ضروریه منبعت از

بقیه درسی ۱۹۱

(۱۹۷)

تصویر حضرت عبدالبها

انیرا در مرکز بهائی شهر نیویورک تابلویی از تسویسر حضرت عبدالبها * را بمعرض نمایش گذاشتند که توجه جمع کثیر از بینندگان را بسوی خود جلب کرد و مورد تحسین و تمجید فراوان قرار گرفت این تابلو نفیس بنا برخواست خانم فرانسس استی FRANCES

ESTY از اهالی بافالوی نیویورک توسط زیگیسموند ایوانوسکی SIGISMOND

IVANOSKI ترسیم شده است . باوجود اینکه این اثر از نظر رنگ آمیزی و تکنیک نقاشی بسیار عالیست ولی بیشتر اهمیت آن از این جهت است که شمایل حضرت عبدالبها * بطور کامل در آن ترسیم شده و بیننده در مقابل آن خود را در حضور حضرت عبدالبها * احساس میکند .

نقاش مذکور پس از مدتی مطالعه و تمرین تصمیم گرفت که در تابلو خود حضرت عبدالبها * را در فضائی نشان دهد که مناظر آن متعلق بمحل مشخص از جهان نباشد و جنبه شرقی یا غربی را نتوان بر آن جا اطلاق نمود زیرا معتقد بود که وجود حضرت عبدالبها * متعلق بتمام عالم بوده و نفوذ معنوی ایشان در سراسر جهان گسترده است .

بنابراین زمینه این تابلو را در یک قسمت دریای آبی رنگ تشکیل میدهد و در قسمت دیگر بوته زاری ملو از گلها مختلفه و یک درخت تنومند منقوش گشته که حضرت عبدالبها * در زیر آن جلوس فرموده اند .

ایوانوسکی هیچگاه در فلسفین نبوده و هرگز افتخار تشرف بحضور حضرت مولی الوری برایش حاصل نشده بود .

و تنها آشنائی او با نهضت بهائی از طریق باره بی تعالیم مبارکه بوده که موجب انجذاب وی گشته است خانم استی یکرور از این هنرمند عالیقدر سؤال میکند آیا شما که هرگز حضرت عبدالبها * را ملاقات ننموده اید میتوانید شمایل ایشان را ترسیم نمائید نقاش پس از لحظه بی تردید جواب میدهد در صورتیکه مقام و شخصیت واقعی ایشان را بخوبی درک کنم از عهده انجام اینکار برخوادم آمد . خانم استی مقداری از آثار مبارکه را که تصور میکرد برایش مفید واقع خواهد بود باو داد و نامبرده با این آثار وارد کار نقاشی خود شد .

هنرمندان بزرگ با نیروی معنوی خود میتوانند حقایق زیبایی را که با چشم برون قابل رویت نیست با چشم درون مشاهده و آنها را در ذهن خود مصور کنند . چنین نیروئی در هنرمندان تامتناهی است فقط بآرامش خاطراری احتیاج دارند تا در ریتو پرواز اندیشه بعالیترین حقایق معنوی دست یابند .

ایوانوسکی شش ماه تمام وقت خود را صرف کرد تا توانست دریایان اینمدت طرح خود را بیایان رساند او بخوبی میدانست که دست بکار بزرگی زده است و بایستی شخصییت کسی را ترسیم کند که در سراسر جهان پیروا دارد که ایمانشان باو در سرحد عشق ورزیدن است و این تابلو در خانواده او برای ذریه اثر بیادگار خواهد ماند .

در اینصورت بایستی اثری از خود بیادگار گذارد که مقام عظیم روحانی حضرت مولی الوری در حد امکان در

آهنگ بدیع

ایران اتفاق میافتاد و در نتیجه روزنامه ها و مجلات داخلی و خارجی با ساور درشت وقایع مربوط را در روزنامه های خود می نوشتند. مدیر همان روزنامه که در فوق اشاره شد و متاع دین در شهرش خریداری نداشت بر اثر علاقه آن که مردم با اطلاع از وقایع ایران پیدا کرده بودند - شرح مسوولان از تاریخ امریهائی و احکام و نظاماتش در روزنامه خود نوشت سبحان الله هرچه کنی عدل صرف است بل فضل محزون -

در آن سال نویسنده این مقاله در یکی از شهرستانها شمالی ایران بودم اتفاقاً در یکی از شبهای آن ایام - جوانی که او را نمی شناختم مضطرب و پریشان محل تشکیل محفل رایید کرد و تقاضا نمود تا در جلسه محفل حضور یابد. سابقه آشنائی که بایکی از اعضا داشت در جلسه محفل حضور یافت با اظهاراتی که میکرد معلوم شد که تازه تصدیق امر مبارک را کرده است و تقاضا داشت که تسجیل گردد.

باو گفتم : آقای عزیز چه چیز باعث شده که در چنین گیروداری مراجعه کنی مگر از وقایع روز مستحضر نیستی گفت چرا که ملامت المعمل ولی میترسم که از فیض عظیمی که نصیب شماها گردیده محروم گردم او خیال میکرد - عنقریب هم ما هم در ایران شریک شهادت خواهیم شد. نوشتید بهمین جهت میخواستم که زود تر تسجیل گردد تا او هم از این فیض نصیبی داشته باشد البته در چنین وضعی شما خواننده عزیز خوب میتوانید حال همه اعضا را حدس بزنید در حالیکه اشک شوق در چشمان همه حلقه زده بود باوت تبریک میگفتم و زبان حال این بیان مبارک را میخواندیم

(... آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد یفعل ما یشا^ه و بحکم ما یرید است)

انتهی

آن منعکس باشد و با این فکر و آرزو شاهکاری نظیر خود را بوجود آورد مخصوصاً حالت فراموشی ناشدنی چشمها و سیمای حضرت عبدالبها^ه را بقدری طبیعی و مطابق واقع ترسیم نموده است که بیننده احساس میکند هیچکس از شهر هر لحظه ممکن است لب بسخن بکشایند و بالاخر تمام این کیفیات شاهکاری را بوجود آورد که بندرت ممکن است نظیر آنرا در آثار هنری یافت بعلاوه ایوانوسکی بانیروی تخیل اعجاب انگیز خود حضرت عبدالبها^ه را در محلی ترسیم نموده است که شباهت کامل بدیوار کوتاهی دارد که حدفاصل باغچه ایشان و شاهراه حیفا میباشد و حضرت عبدالبها^ه هنگامیکه بکوه کرمل تشریف فرما میشدند چند لحظه بر روی آن جلوس میفرمودند و در وقت بازگشت در همان نقطه مشتاقان آن روی دلجو و حضرتش را احاطه میکردند و برای مدتی مانع عبور ایشان به بیت مبارک میشدند و در واقع نقاش بدون اینکسه قصدی داشته باشد یک لحظه واقعی از زندگی حضرت عبدالبها^ه را ترسیم و آنرا برای ما بیادگار گذاشته است .

ایوانوسکی درباره این اثر خود گفته است " این شاهکار من است و بعد از این هرگز قادر نخواهم بود - چنین اثری از خود بجای گذارم " زیگیسموند ایوانوسکی هنرمند ممتازی از امریکائیان لهستان الاصل میباشد که آثار او مورد توجه بسیاری از هنر شناسان در دوسوی اقیانوس قرار گرفته است .
بیان

بقیه از ۱۹۷ (در شهر متاع ...)

حقایق اشیا^ه است . خداوند قادر متعال برای نشو و ارتقاء این فطرت فیسد و جلب توجه و انظار مردم غافل بحقایق نامحدودی که در عالم موجود است وسایلی بر بی انگیزد که بشر متوجه حقایق معنوی گردد .

هنگامیکه وقایع اسف انگیز و ناگوار سال ۳۳۴ در

حضرت ورقا شهید

جناب ملا مهدی یزدی از اجله علمای یزد و از مؤمنین خدوئی بودند که در تاریخ سمندر از ایشان یاد شده است :

" از علمای علمین و فضلاء کاملین جناب مستطاب - حاجی ملا مهدی یزدی والد ماجد حضرت ورقا شهید علیه سلام الله بودند "

و حضرت عبدالبها ارواح العالمین له الفدا در تذکره الموفاء بدین بیانات در باره ایشان ناطق قوله الاحلی :

" از جمله مهاجرین جناب حاج ملا مهدی یزدی -

است . . . باری شخص جلیل بود و توجه برب جمیل داشت . . . قلب نورانی بود و فکر روحانی و جان -

رمانی و همت آسمانی در راه اسیر بلا بود و در طی صحرا و صعود و نزول کوهها در مشقت بی منتها و از جبین نور هدی نمایان و در دل آتش اشتیاق در فوران لذا با - کمال سرور از خدود و ثغور مرور نمود تا آنکه ببیروت رسید بیمار و بیقرار ایاهی چند در آن شهر اقامت نمود .

. . . با وجود علیلی و بیماری صبر و شکیب نتوانست و پیاده عزم کوه جانان نمود چون موزه درستی دریایی نبود - زخم و مجروح شد شدت مری مستولی گشت و تاب و توان حرکت نماند با وجود این بهر قسمتی بود خود را بمزرعه رساند و در جوار قصر مزرعه بملکوت ابهی صعود نمود "

اما جناب ورقا سومین فرزند حاجی ملا مهدی یزدی بودند بنام میرزا علیمحمد که در شهر یزد متولد و تحصیلات خود را در رشته علوم دینی و طب قدیم در همان شهر بپایان رساندند . آیتی از فصاحت و بلاغت بودند و آثار نظم و نثر بسیاری از ایشان بجای مانده است . حدود ۲۲ سال از سن ایشان میگذشت که بواسطه عناد مفسدین بهمراهی پدر بزرگوارشان عازم و مقیم تبریز گردیدند .

میرزا عبد الله خان که از احبای متشخص و پیشکار مخصوص ولیعهد وقت مظفرالدین میرزا بود نظر به تعلق خاطر فراوان به جناب ورقا دختر خویش را بحباله نکاح ایشان در آورد و سر از انجام مراسم جناب ورقا باتفاق پدر و برادر عازم ساحت اقدس شدند در بین راه پدر بیمار و در جوار قصر مزرعه وفات نمودند و جناب ورقا باتفاق

آهنگ بدیع

برادرشان عازم کوی جانان شدند و بحضور جمال کبریا بار یافتند پس از مراجعت بایران مجدداً مقیم تبریز شدند. بواسطه پدر زوجه شان بولیعهد معرفی گردیدند و ولیعهد که مفتون صفات حمیده ایشان شده بود به پیشکار سفارش کرد که جناب ورقا را در مجالس اهل علم باخود بیاورد و جناب ایشان با سرودن اشعار و قرائت آن در جشنها و مجالس رسمی اکثر دریافت صلّه و خلعت نایل میگشتند .

باری ، ثمره ازدواج ایشان چهار پسر بودند که به ترتیب بنامهای عزیزالله . روح الله . ولی الله و بدیع الله موسوم گردیدند .

جناب ورقا در سال ۱۳۰۰ هجری قمری برای اعلاء امر و نشر نفحات الله به یزد موطن امیلی تشریف بردند ولی گرفتار مأمورین ظل السلطان شدند و سر از یکسال حبس در یزد باکند و زنجیر ایشانرا به اصفهان آوردند و در شهر شایع شد که شخصی بایی را از یزد آورده اند . جناب سینا که تازه دوروزی بود از زندان خلاصی یافته بودند نظر باشنائی بازندان با وجود ممانعت بملاقات جناب ورقا رفتند . از وضع زندان بسیار متأثر شدند با استفاده از آشنائی متنفذین با پدر جناب ورقا وسائل انتقال ایشانرا از زندان حاضر به زندان اعیان که محل نسبتاً پاکیزتری بود فراهم فرمودند . یکبار هم خود ظل السلطان به محبس میآید و جناب ورقا را در کند و زنجیر می بیند و به تمسخر مطالبی میگوید بعد که او را از مراتب فضل و کمال ایشان آگاه می کنند با وجودیکه مفسدین هر آن درصد ناپهین بردن آنجناب بودند بتصور خیالاتی که شرح آن در این مقال ضروری بنظر نمیرسد دستور استخلاف ایشانرا صادر کرد . ناگفته نماند که چندی قبل از این واقعه ظل السلطان بواسطه اینکه همین خیالات جاه طلبانه و واہی او جامه عمل نپوشد بوسیله پسرش جلال الدوله سبب قتل هفت نفس مقدس در یزد گردید . نمونه ای از اشعار جناب ورقا که بنظر ظل السلطان نیز رسیده است اینست :

پی بری سوی مقصد ماکی ؟
میکند صد هزار عالم طی
ومن الماء کل شیئی حی
تو نمائی اگر بیاید وی
چون بهاران رسد بمیرد ی

ای نبرده بملک معنی پی
رفرف عشق ما بهر قدمی
عاشقان زنده اند ز اثر عشق
آنکه دایم وصال او طلبی
روز چون سرزند نماند شب

جناب ورقا سه بار بساحت اقدس مشرف شدند دو مرتبه در زمان جمال مبارک و یکمرتبه در دوره مرکز مینائی روزی بمناسبتی صحبت از حضرت عبدالبها بمیان میآید و جمال قدم از مناقب و صفات عالیہ ایشان بیاناتی میفرماید که جناب ورقا شدیداً تحت تاثیر قرار میگیرند و از ساحت کبریائی حضرتش تمنای فدا در سبیل حضرت غصن اعظم برای خود و یکی از فرزندانش می کنند که مورد قبول واقع میشود . ورقا باین انگفا نمیکند پس از مراجعت بایران مجدداً مطلب را کتبا بعرض میرساند که البته مورد تأیید ترار میگیرد . وحتى در زمان تشریف بحضور مرکز مینساق مطلب را عرض میکند تأیید میفرمایند تا آنکه در زمستان سال ۱۳۱۳ هجری قمری لوحی بافتخار جناب ورقا از کلک مظهر حضرت عبدالبها به زنجان رسید که حاوی لزوم ثبوت و رسوخ در وقت نزول صدمات و بلیات بود . جناب ایشان مطلب را با میرزا حسین زنجانی در میان نهاد و عقیده ایشانرا خواستند و نامبرده ضوضای عظیمی را پیش رینی فرمودند . جناب ورقا بخاطر آوردند که حضرت مولی الوری چندین بار فرموده بودند که آثار و -

آه سنگ بدیع

حضرات را بطرف طهران حرکت دهند . تا آنکه در قریه دیزج توقف نمودند و مجلس با حضور علما - آراستند و بترتیب سابق سؤال و جواب بی نتیجه نمودند ولی در سلطانیه افراد مودب تر بودند حتی نسخه ای از جناب ورقا جهت بیمار گرفتند . پسر جهانشاه خان هم در راه نهایت ادب ر امری - میداشت و محبت مینمود و بالاخره بهر کیفیت بود وارد شهر طهران شدند و در منزل جهانشاه خان - افشار منزل کردند . زنجیرها را برداشتند ولی باها در کند بود و تمام شب خواب بچشم هیچیک نیامد . صبح در صحن جمع زیادی از فراشها و میرغضبها که لباس سرخ پوشیده بودند بچشم میخوردند جناب ورقا فرمودند . گویا اینها خریداران ما باشند . در این موقع نایب نصرالله وارد شد و آنرا بسه دار الاماره دعوت کرد . و پس از استفسار مجدد - بزندان آوردند . ابداء اجازه ملاقات نمیدادند و زنجیر " قره کهر " معروف را بگردنشان زدند بطوریکه روح الله طاقت نیاورد و دوشاخه زسر آن زدند و در آنروز عکا سباشی عکس برداشت معلوم بود ارباب امتحان شدید است . آن ایام سه روز بتاجگذاری ناصرالدین شاه مانده بود اقدامی که میرزا رضای کرمانی در آن احیان نمود آتش خشم را دامن زد تا آنکه دستور سختگیری - بیشتری به زندانیان داده شد . زندانیان که از ماجرا روی شاه بی خبر بودند بیشتر از این تخییر حالت مأمورین متعجب بودند . بالاخره نایب زندان آمد و زنجیرها را باز نمود . و نفر بد و نفر باندرون میبردند تا باصطلاح محاکمه نموده و سپس شهید نمایند ، بعضی از زندانیان که در اثر کثرت محبت گهگاه مطالبی را جهت زندانیان تعریف میکردند . جریان محاکمه و شهادت جناب - ورقا را چنین بیان داشتند :

الواح مبارکه را از زنجان خارج نمائید . بارسیدن لوح اخیر درنگ را جائز ندانسته فرمودند باید بدین حاجی میرزا عبدالله خان نوری (جد مادری جناب روح الله) بروم و آثار مبارکه را هم در جای امن بگذارم و سهتر است زودتر عازم شوم تا اگر ضوضائی هم در پیشراست بنام من تمام نشود چه که احبای زنجان ستم دیده اند .

فغانه
با اکثر دوستان من جمله میرزا علی اکبر خان رئیس تلگرا در محل کار خدا حافظی و مراجعت فرمودند در بین راه ملا عبدالواسع که از آخوندهای مفسد بود جناب ورقا را بی بیند بمیرشب اطلاع میدهد و مگوش حاکم وقت علاء الدوله میرسد و دستور میدهد حضرات را برگردانند مأمورین نزدیکیهای قزوین جناب ورقا و حاجی ایمان و روح الله را با مقداری از اثاثیه بر میگردانند فقط آثار مبارکه سالمآ به قزوین میرسد بالاخره جناب ورقا و روح الله را در اطاق فراشباشی و حاجی ایمان را در زندان عمومی محبوس نمودند . شبها در کند و زنجیر بودند و روزها آزاد . و یکسرات در جلسات - علما حاضر میشدند و مباحثات دینی که اکثر منجر به مشاجره بین علما میشد مینمودند که با دخالت - علاء الدوله حاکم زنجان غائله ختم میشد . ذکر کیفیت مجالسی که با حضور جناب ورقا تشکیل میشد سبب تطویل کلام میگردد .

همین قدر باید گفت که بعضی اعتراض میکردند و عهد ای جواب میدادند . برخی فحاشی و گروهی جانب داری مینمودند . حاکم که از ارز مباحثه و قدرت بیان و استدلال جناب ورقا خوشتر آمده بود پسر ازادای چند سوگند گفت که اگر از این کار دست برداری و - مسلمان شوی هزار تومان برای تو مقرری تعیین میکنم و حکیم باشی غویم میکنم چون مطالب مقبول تابع جناب ورقا نیفتاد و دین را بدینا نفروختند حاکم سلب مسئولیت نموده دستور داد که تحت سرپرستی مأمورین پسر جهانشاه خان سرتیب باکند و زنجیر

آهنگ بدیع

حاجب الدوله تاجش مشرب به ورقا افتاد گفت بالاخره آنچه خواستید انجام دادید ؟ جناب ورقا فرمودند ما کاری نکردیم که خلاف باشد . حاجب گفت حالا اول ترا بکشم یا پسرت را ؟ فرمودند برای من فرق نمیکند سپس خنجر از کمرش کشید و بقلب جناب ورقا زده گفت : حالت چنطور است ؟ فرمودند حال من از حال تو بهتر است و حکم قتل داد و چهار میرغضب جناب ایشانرا در برابر چشم روح الله قطعه قطعه نمودند .
 روح الله هم که تماشا و گریه میکرد مرتب میگفت : آقا جان . آقا جان . آقا جان مرا هم ببر . بالاخره او را هم فلکه دور گردنش پیچیدند و دو فراتر آنقدر کشیدند که جان بحضرت رحمن تسلیم نمود . موقعی که خواستند نفرات بعدی را بیاورند مثل اینکه جسد روح الله هنوز جان داشته باشد . بلند شده و دو ذرع آنطرف تر بزمین افتاد و این واقعه چنان در دل حاجب هراس انداخت که دستور داد بقیه را نگهدارید فردا میکشم و گفتم اجساد را بچاه زندان بیاندازند و باین ترتیب یکی از مومنین جانباز بنهایت آرزو و آمال خود که شهادت در ره محبوب باشد نائل شد . جناب نیروسینا در رثا " حضرت ورقا و روح الله شهید اشعاری سرودند چون بنظر اطهر حضرت عبدالبها رسید لوحی نازل و تمجید بسیار نمودند و فرمودند : جافزه " این منظومه در ملکوت ابهی معلوم - گردد . و قسمتی از آن این ابیات است :

آه آه ای ارض طما ورقا چه شد مرغ باغ طلعت ابهی چه شد ؟
 آن تذرو گلشن توحید کـــو وان غزال قدس این صحرا چه شد ؟
 ای صبا فرزند دلبندهش کجاست آن خوش الحان بلبلس گویا چه شد ؟

کس نداند جسم زارش در کجاست وان منور همیکل روحا چه شد ؟
 گرد آتش رفت ابراهیم و ا ر آن گل و آن لاله حمرا چه شد ؟
 و ر چو یحیی خون او در طشت ریخت آن سرو آن پیکر زیبا چه شد ؟

و ر چو عیسی بر فراز دار رفعت آن هجوم قوم و آن غوغا چه شد ؟
 گیر سرش از تن جدا شد چون حسین آن تن پاکیزه نورا چه شد ؟
 و ر شد از شمیر و خنجر ریز ریز کس نمیگو ید که آن اعضا چه شد ؟

نیرو سینا چونی نالند زار
 کان رفیق با وفای ما چه شد ؟

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

+++++

+++++

+++

+

نظر بر تعالیم اقصیٰ بہائی

دنیا، امروز در بستر بیماری افتاده است و کسی نمیتواند بیماری آنرا در این ایام آشفته و پریشان انکار کند .
ولکن در تشخیص مرض آن توافق کاملی وجود ندارد . عده ای اظهار میکنند کہ بدی تشکیلات و سازمان باعث این
بیماری گردیده چه فطرت انسانی از آنچه همواره بوده بہتر یابد تر نشده است . این عده میگویند اگر
سازمان و تشکیلات موجود را تغییر دهید ملاحظہ خواهید کرد کہ جمیع امور بر منہج صحیح استوار خواهد شد .
عده ای دیگر سازمان و تشکیلات را عاملی مهم تلقی نمیکنند . اینان معتقدند کہ اگر افراد بشر دارای زندگی
مرفہ تر و بہتری گردند تشکیلات موجود خود بخود اصلاح میگردد . در میان این دو نظریہ کاملاً مخالف و مابین
نحوہ فکر و اصول و مبادی دیانت مقدس بہائی قرار دارد .

تعالیم بہائی تصدیق دارد کہ طبیعت انسانی در میان یک رشتہ تحولات و تغییرات ہمیشگی تکامل و ترقی یافته
است . یکزمان نوع انسان در حوضی ادنی و زمانی دیگر در اوج اعلام، روحانیت و اخلاق قرار دارد و لکن در
یک مدت طولانی ترقی و تکامل او همواره صعودی و رو بہکمال میباشد اگر غیر از این بود نوع بشر ہم اکنون میبایست
در مرحلہ بدوی اجداد و نیاکان خود بسر برد از طرف دیگر با اعتقاد دیانت بہائی سازمان و تشکیلات مجہز و
وسایل و عوامل مادی علت و سبب ترقی و تکامل روحانی نوع انسان نیستند . بلکہ پیشرفت و تکامل چہ در عوامل
روحانی و چہ در امور مادی نتیجہ علت دیگر یعنی تربیت و ہدایت افراد بشر بوسیلہ خداوند بوده است .
ہمانطور کہ جسم انسان از یک ترکیب سادہ توسعہ و تکامل یافته روح انسانی نیز ترقی حاصل نموده است
و این ترقی و علو بوسیلہ ہدایت و دلالت مشیت الہی انجام گرفته است . ہر زمان کہ روح انسانی در مراحل
ترقی و کمال حرکتی سریع داشتہ تشکیلات و امور مادی او نیز ناگہان در طریق ترقی و تکامل گام برداشتہ است .
سازمان و تشکیلات بدون تکامل و علو روح انسانی بیثمر و فاقد ارزش است . ہیچ تشکیلاتی نمیتواند افراد بشر
را بمرحلہ ای بالاتر از آنچه کہ روح آنان بدان رسیدہ است سوق دہند . تشکیلات و سازمان نیرو و فعالیت
افراد را در مجاری معینہ بکار انداختہ و از اتلاف قوای آنان جلوگیری میکند و اشتراک مساعی بہن افراد را بوجہ
میآورد باصطلاح باید گہت کہ "بیمایہ فدایر است" . اگر افراد بشر مستعد و بالقوہ لایق و قابل کارہای بزرگ نباشند
تشکیلات و سازمان قادر بہ تغییر فطرت باطنی آنان نخواہد بود .

ہمانگونہ کہ مرغوبترین مواد اولیہ را جہت استفادہ نہائی ناگزیر بشکل و ہیئت معین در میآورند . بین افراد
بشر نیز قانون و مقرراتی لازم است تا خطاها و لغزشہای آنانرا محدود و مقید نماید . همچنین سازمان اقتضا
مورد نیاز است کہ کافل تمتع صحیح نوع انسان از مواہب و نعمای مادی حضرت رحمن گردد . بدون تشکیلات
بی نظمی و ہرج و مرج ایجاد خواہد شد . تعالیم دیانت بہائی تصویری است از بشریتی کہ حیات و نیروی جدید

یافته و بوسیله اتحاد و یگانگی مشکلی در طریق ترقی و تعالی گام بر می‌دارد. جوامع بهائی در سرا عالم بنفسها شاهدهی است مبین که این ادعا صرفاً یک امیدواری عبث و عاری از حقیقت نیست. در اکثر ممالک عالم دستجاتی موجود که خالی از تعصبات متنوعه نژادی طبقاتی و مرای حد اکثر کوشش خود را بکار می‌برند تا تعالیم روحانی حضرت بها الله را به مرحله اجرا و عمل در آورند این افراد معتقدند که شمس حقیقت از هرافتقی که طالع شده یا بشود حق است و بکمال جدیت برای صلح و صفا و آسایش و رفاه عموم اهل عالم فعالیت می‌کنند و چنان متشکل و متحدند که گوئی یک روح در ابدان متعدده اند طرز عمل دنیای بها چنان تنسیق یافته که در عین متحد الشکل بودن به تمایزات محلی و ابتکارات شخصی مجال و میدان بروز میدهد. در حقیقت این نمونه کوچکی از طرز عمل برای ایجاد یک دنیای متشکل و متحد است. اصولی مهم در تشکیلات نظام اداری و همچنین تعالیم اقتصادا بهائی سازگاری و قابلیت توافق است. در این تشکیلات اداری و تعالیم اقتصادی نقشه خشک و سخت اقتصادی وجود ندارد. زیرا امکده و از منه مختلفه در طول تاریخ وجود انواع و اقسام مختلفی از سازمان اقتصادی را ایجاد میکند. در عوض در دیانت مقدس بهائی اصول کلی مسلمی بمثابه یک قالب و چوب بست وضع شده که در داخل آن حکومت محلی و حکومت آئنده جهانی میتواند در هر زمان نقشه خود را برای مقابله با مسائل و مشکلات مخصوص بخود طرح نمایند.

یک اقتصاد جهانی

+++++

اصل اول از اصول کلی اقتصادی در دیانت بهائی آنست که باید یک اقتصاد جهانی وجود داشته باشد حضرت بها الله میفرمایند: "عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن" این اصل

صداقت و وفاداری وسیعتری از آنچه که امروزه مردم جهان نسبت به حکومت ملی ابراز میدارند در بر دارد همان حکومتی که افراد انسانی را دالت میکنند تا به ناراحتیها و زنجهای افراد بشر در سایر ممالک به دیده بی اعتنائی و به نحوی که گویا اصلاً بدانها مربوط نیست بنگرند. حضرت بها "الله میفرمایند: "لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم" نه فقط افراد باید نسبت بهمه اهل عالم بدون توجه به نژاد و رنگ و طبقه و عقیده به دیده برادری بنگرند بلکه دولتها نیز موظفند از صمیم قلب رفاه و سعادت عموم نوع بشر را مد نظر قرار دهند. حضرت بها الله در خصوص نمایندگان و وکلای منتخبه از طرف افراد یک جامعه چنین میفرمایند: "... وینبغی لهم ان یکنوا اماناً الرحمن بین الامکان و وکلایه ان الله لمن علی الارض کلها".

حضرت ولی مقدس امرالله تعالیم مبارکه حضرت بها "الله را در توفیق مبارک مورخ ۱۹۳۶ چنین توجیه و تشریح میفرمایند: "وحدت کافه نوع بشر مابه الامتياز مرحله ایست که حال هیئت جامعه بشری بآن نزدیک میشود وحدت خانواده و قبیلده و شهر و ملت متوالیا مورد اقدام واقع و کاملاً تحقق پذیرفته است. وحدت عالم غایت قصوائی است که بشر سرگردان برای نیل بآن تلاش مینماید. اکنون تشکیل وحدت ملی بی پایان رسیده است و هر ج و مریخی که ملازم اختیارات مطلقه حکومت است بمنتها درجه شدت میرسد. عالمیکم در حال رشد و بلوغ است باید از قید این پتروهم خود را رها کرده بوحدت و جامعیت روایت بشری معترف و تسلیم قواج نظمی ایجاد نماید که بوجه احسن بتواند این اصل اساسی حیاتش را مجسم سازد." (ترجمه) در یک چنین دنیای سازمان اقتصادی بعنوان تفه هدف خود باید خیر و رفاه عموم نوع بشر را در

آهنگ بدیع

نظرداشته باشد نه اینکه فقط مصالح عده محدودی از افراد مانند يك طبقه یا يك ملت معین را مورد توجه قرار دهد در يك چنین دنیائی يك واحد پول جهانی نیز كه فی الحقیقه مورد نیاز است باید در جریان گذاشته شود (هرگونه مخالفتی با این فکر بر اساس نظریه محدود ملیت پرستی مبتنی است) همچنین يك سیستم عمومی اوزان و مقیاسها مورد احتیاج است و هیچ علت و دلیلی وجود ندارد كه از راحتی و سهولت يك سیستم متحد الشكل عمومی صرفنظر شود. در چنین دنیائی كلیه مواد خام برای خیرورفاه اهل عالم فراهم شده و بكار خواهند رفت و با زارهای جهان به بهترین وجه هم آهنگ خواهند شد تمام سدها و مواعینی كه هم اکنون در طریق تجارت و داد ستد جهانی وجود دارند همراه با یکی از بزرگترین موانع و مشاكل اقتصادی یعنی جنگ محورزائل خواهند شد زیرا كه علت عمده جنگ توجه مصالح محلی و ناحیه ای مقدم بر منافع و مصالح جمیع نوع بشر میباشد یا بر طرف شدن جنگ تسلیحاتی جنگ اقتصادی نیز مانند تعیین ارز و سهمیه ها محورناید خواهد شد و در حقیقت تمام روی زمین از نظر اوضاع اقتصادی و سیاسی ملل متحد خواهد گردید این خاتیت و هدف قصوی است و تا وقتی كه نیل بدان حاصل شود هر وسیله ای كه وحدت نوع بشر را تأسیس و ترویج كند خوب و پسندیده میباشد حكومات عالم باید گز هم آمده و بنا بر اقتضای ضرورت و احتیاج در بكار بردن و اعمال بهترین اصول يك اقتصاد جهانی موافقت كنند تا آنكه مآلایك هیئت مرکزی جهانی مستقر گردیده و توسعه و پیشرفت این مقصد را رهبری نماید در حال حاضر " شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (۱) قدم مهمی است كه در ابرقی كه حدت بها * الله يك قرن پیش نشان داده اند برداشته شده است

فقر و غنا

در میان هر دسته از نوع بشر كه بصورت ملل متحد و واحدی متشكل شده اند . مهمترین علت مشكلات

مینمایند .
بسرقراری مساوات تام بیسن ثروت اغنیاء و فقر مسلمانا غیر ممکن است و مطلوب و مفید نخواهد بود زیرا انجام این عمل به دستبرد افراد و بینظمی اجتماع منجر

آهنسنگ بدیخ

و تعهدات سنگین و کوشش فراوان ، بععلل مختلفه سال بدی داشته و کشتش برکنی نیافته یا و نیز کمسک خواهد شد . حضرت عبدالبها * میفرمایند :

(چون چنین ترتیب داده شود هر فرد ، از افراد هیئت اجتماعیه در نهایت راحت و سرور زندگانی نماید و مراتب نیز باقی ماند)

در شهرهای بزرگتر باید این روش را با مقیاس وسیعتری بکار رود و اصول اساسی دیگری مانند مالیاتهای تصاعدی و در نظر گرفتن تعهدات باندازه درآمد نیز مری گردد از آنجائیکه اکثریت مردم کارگر و مزدور عده دیگرند اصول مسلم دیگری نیز برای اداره - صنایع لازم است . در مسئله ملی کردن صنعت هم قوانین قلعی و مسلحی در دیانت بهائی تشریح نشده است زیرا بهمان علل و ملاحظاتی که گفته شد ، این قوانین نمیتواند در تمام زمانها و مکانها بکار رود . اصل عمده و مهمی که وضع شده اینست که بکارگران علاوه بر دستمزد باید سهمی هم از منافع کارخانه داده شود بدین ترتیب اول توجه و علاقه مخصوص نسبت بکار در آنان ایجاد میگردد و ثانیاً سهمی از عایدات حاصله از زحماتشان بآنان داده میشود . در حال حاضر حتی پیشروترین کشورهای جهان هم از این کمال مطلوب و هدفی که جهت سازمان های صنعتی تعیین شده است بغایت دورند .

کار و سرمایه

مهمترین مسئله و بزرگترین مشکل در عالم صنعت رابطه بین کارگران و صاحبان سرمایه است . هر یک از آنها تصور میکنند که طرف دیگر سهم بسیار بیشتری از عوائد حاصله از فروش کالا های تولیدی را که تولید آنها مستلزم دخالت کار و سرمایه است بخود تخصیص میدهد کارگران مطالبه سهم بیشتری میکنند و کارفرمایان در جواب اظهار میدارند که پرداخت دستمزد بیشتر نفعی

خواهد شد و لکن طریق معتدل آنست که حدودی - جهت ثروت و غنا مقرر گردد و وجود مراتب و تنوع در ثروت به طور آزاد و در داخل این حدود لازم شمرده شود - بطوریکه هر یک از افراد جامعه مقصد و مآلوی داشته باشد برای وصول بدان کوشش و کار کند و در عین حال هیچ فردی محتاج و نیازمند نباشد . استقرار چنین نظامی در عالم محتاج زمان و فرصت است و بهر حال برای انفاقی و تبرع اهمیت زیادی داده شده است . حضرت بها * الله در کلمات مبارکه مکتونه میفرمایند : -
" ای اغنیای ارض فقرا امانت منند در میان شما پس امانت مراد است حفظ نمائید و براحت نفس خود تمام نبردازید "

سازمان صنعتی

با وجود توسعه و پیشرفت فوق العاده صنعت در صد سال اخیر ، تعالیم حضرت بها * الله حقیقت واضحی را که غالباً بدست فراموشی سپرده شده است خاطر نشان میکند و آن اینکه زراعت از امور دیگر مهم تر و ضروری تر است چه که قسمت اعظم سکنه روی زمین معاشر زندگی خود را از طریق کشاورزی تحصیل مینماید و علاوه حیات و زندگی همه افراد بشر بآن موقوف است . و این بعهد حکومت آینده خواهد بود تا اصولی را که در این تعالیم بیان گردیده است برای احتیاجات گوناگون شهرهای مختلفه صنعتی یا نواحی زراعتی بکار برند . هر قریه یک مخزن عمومی یا بیت المال خواهد داشت که بوسیله جمعی از افاضای قریه که از طرف بیوت عدل محلی منصوب شده اند نظارت میگردد . عوائد این مخزن عمومی با ثروت و درآمد سالیانه افراد بستگی دارد . از این مخزن - بمحتاجین و آنهایی که در ضمن سال دچار آفت و بلا شده اند کمک خواهد شد . فی المثل ایتمام - عجزه و سالخوردگان بکمک این مخزن در رفاه و آسایش بسر خواهند برد و همچنین اگر زای با وجود مخارج

آهنسنگ بدیع

کارگران ممکن نیست باوضع حالیه راضی شوند .

سیستم اداری

دریک مقاله مختصر که مسائل اقتصادی مورد نظر است فقط بنحو اجمال میتوان نظم اداری دیانت بهائی را مورد بحث قرار داد همان نظمی که در تاریخ بشریت بی نظیر و مثیل است . این نظم الهی آزمایشی حکومت دموکراسی و سلطنتی و اشرافی بهره مند و از معایب و مفاسد آنان عاری و مبراست . غایت قصوایش آنست که حکومت را برطبق مقررات مخصوصه در دست افراد صالح و بی غرض اعم از رجال یا نسا قرار دهد همان افرادی که تنها مقصد و مرامشان آنست که مشیت و اراده الهی را ابلق هدایتی که از طرف حضرت بهاء الله بآنان عنایت شده اجرا نمایند . این نفوس تحت نفوذ و تأثیر مصالح و منافع حزبی قرار نخواهند گرفت بلکه قلبا خیر و رفاه عموم نوع بشر را آرزو خواهند داشت . ایشانند که توانین و تعالیم حضرت بهاء الله را برای رفع احتیاجات ازمنه و امکانه مختلفه بکار خواهند برد مسئول و مراقب خواهند بود که عدالت و انصاف بتمام معنی و در حق فقیر و غنی بدآور مساوی اجرا شود . در این نظام اداری عدم تمرکز بحد زیادی در نظر گرفته شده و لکن قدرت نهائی همچنان متمرکز خواهد ماند باید دانست که این قدرت و مرجعیت نهائی از بابت امور اداری در دست يك مجلس منتخب جهانی قرار خواهد گرفت . اولیای امر محلی قدرت بیشتری از آنچه که هم اکنون دارند دارا خواهند شد . و لکن اولیای امور و مراجع ملی دارای قدرت کمتری خواهند شد . زیرا که قسمتی از قدرت و اختیار کنونی آنها بوسیله پارلمان جهانی اعمال میگردد و این ترتیب هرگونه پیش بینی و شرایط لازم تا آنجا که مطلوب و مناسب باشد بجهت حفظ و نگاهداری مشخصات و صفات ممیزه حکومت محلی و ملی بکار خواهند رفت و لکن آنها بایک تشکیلات متحد الشکلی

جهت آنان باقی نخواهد گذاشت و بالاخره وضع بجائی میرسد که صنعت بعلت اعتصاب کارگران یا تعطیل کار از طرف کارفرمایان فلج میگردد و شك نیست که این امر بضرر طرفین تمام میشود . از آنجائیکه قاعده وجود ندارد که بوسیله آن مقدار سهم طرفین معین شود این تمایل برای هر دو طرف بوجود آمده است که اولاً سعی کنند تا آنجائیکه میتوانند سهم بیشتری در مالیه نمایند و ثانیاً درد و گروه مختلف تقسیم شوند تابعوض یافتن راه حل منصفانه از قدرتهای نسبی خود در . انجام مقاصد صنعتی استفاده نمایند .

برای حل چنین مشکلی حضرت عبدالبها در تشریح تعالیم بهائی چنین میفرمایند : " . . . حل مشاکل اقتصادی هرگز بحدیت و نزاع و مقاومت بین سرمایه داران و رنجبران ممکن نیست مگر بحسن تفاهم و تساهل بسایب خاطر از طرفین "

مادام که حسن نیت وجود ندارد ناگزیر اعتصاب مستمرا ادامه خواهد یافت تا اینکه تمام دستگاه اقتصادی مختل و بریشان گردد . دریک دستگاه مشکل بر طبق اصول بهائی اعتصاب وجود نخواهد داشت . حد اکثر و حد اقل درآمدها تعیین گشته و يك سیستم تقسیم منافع بوجود خواهد آمد . اساس عدالت و انصاف استوار خواهد گردید . طرق و وسایل اداری که بوسیله آنها تمام اختلافات بنحو سالمیت آمیز مرتفع گرد معین و پیشبینی خواهد شد . اگر یکی از طرفین اختلافی فاقده حسن نیت باشد با اعمال زور قانونی و نه از طرفین اعتصاب یک طرفه قضیه فیصله خواهد یافت و دیگر نیازی به اعتصاب نخواهد بود " اعتصاب سبب خرابی است اما قانون سبب حیات است "

(خطابات مبارکه حضرت عبدالبها)

اما اظهار نظر در مسائل فوق هنوز هم بعهدہ مستقبل ایام است حضرت عبدالبها در رسال ۱۱۲ در امریکاییات ذیل را ایراد فرمودند " . . . فی الحقیقه تا بحال خیلی ظلم بنوام شده باید قوانینی گذارد زیـــــرا

آهنسنگ بدیخ

بدهند . ولكن در صورت عدم وصیت حضرت بها * الله بهترین ارزش تقسیم ثروت را تعیین فرموده اند و بر طبق آن اولاد - زن یا شوهر - پدر - مادر - خواهران - برادران و معلمین از ماترك متوفی هر يك بمقیاس معینی سهم میبرند و بزرگترین سهم به خویشاوندان نزدیکتر میرسد . هرگاه کسی بدون وصیتنامه فوت کند طرز تقسیم فوق نسبت بماترك او اعمال میگردد . این طرز تقسیم بتوزیع عادلانه ثروت و کم شدن فاحشیه ایقاتی کمک خواهد نمود تعالیم عمومی تر حضرت بها * نیز تأثیر عمیقی در امور اقتصادی دارند و لكن این تعالیم در تمام ادیان الهی عمومیت دارد و مافقط در این مقال آنها را بطور خلاصه ذکر میکنیم :

حضرت بها * الله نیز مانند موسسین سایر ادیان - بزرگ تعلیم فرموده اند که غنای حقیقی عبارت از ثروت روحانی و منویست نه ثروت ظاهری و مادی . اموال و ثروت های ظاهری وسیله سختی جهت امتحان روح - انسانی هستند و چه بسا که فقر يك نعمت مکنون و پنهانی باشد .

حضرت بها * الله میفرمایند "ای پسر کنیز من در فقر اندر لراب نشاید و در غنا اطمینان نباید . هر فقری را غنا در پی و هر غنای را فنا از عقب و لكن فقر از ماسوی الله نعمتی است بزرگ حقیر شمارید زیرا که در غنایت آن غنای بالله رخ بگشاید . " در دیانت بهائی انقطاع و اجتناب از تمایل و تعلق باموال دنیوی توصیه و سفارش شده است و لكن مقصد از این انقطاع و عدم توجه ، ریاضت و گوشه گیری نیست مسئله مهم آنست که انسان به ثروت های ظاهری و منافع دنیوی تمسك قلبی نداشته باشد . در دیانت بهائی اعتدال در جمیع امور چه با افراد و چه بدو سفارش و توصیه شده است و در باره عدالت و انصاف هم مانند صحبت و خدمت تأکید گردیده است .

اعمال بیشتر از اقوال بعنوان علامت و نشان ایمان شناخته شده است و برای امانت و درستی اهمیت فراوان قائل گشته اند این تعالیم در کتب بهائی موجود و در دسترس البان قرار دارد .

دنیائی هم آهنسنگ خواهند گردید همچنین پیش بینی لازم بعمل خواهد آمد تا مشکلات و مسائل جهانی بایک مقیاس وسیع جهانی حل و رفع گردد . پرواضح است که ملل عالم تاکنون پیشرفت مختصری در طریق تأسیس يك چنین نظام اداری نائل آمده اند .

فصل

موقفیت در سیستم اقتصادی بدلرز رفتار و اعمال افراد جا مربوط است . بدینجهت قسمتی از احکام و دستورات - ادیان الهی که افراد بشر را مخاطب داشته اند بمسائل اقتصادی مربوط است . و لكن حضرت بها * الله تعالیم فردی معینی عنایت فرموده اند که منحصر بمسائل اقتصادی - ارتباط دارد . بسیاری از این تعالیم نظریه دیانت بهائی را در خصوص کاریان میدارد از نظر بهائیان کار و کوشش برای فقیر و غنی امری اجباری بوده و تکدی و گذراندن عمر در بطالت و بیکاری هر دو حرام شده است . حضرت بها * الله در کلمات مبارکه مکتونه میفرمایند : " پستترین ناس نفوسی هستند که بی ثمر در ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از آن نفوس معدله مهمله ارجح عند الله مذکور و در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند " ایخضر الناس عند الله من یقعد و یطلب " البته کار باید در عین حال که وسیله ای جهت تأسیس معاش است بعنوان خدمت بعالم بشریت انجام شود . - اشتغلوا بما ینتفع به انفسکم و انفس غیرکم " (کتاب مستطاب اقدس) غایت و هدف در چنین کاری فی المثل برای يك صنعتگر آنست که بهترین وجهی که میتواند کار خود را انجام دهد تا بندگی به خداوند و خدمت به هموع را بجا آورد کاری که با این روح انجام گیرد در دیانت بهائی نفس عبادت شمرده شده است . یکی دیگر از تعالیم فردی دیانت بهائی که خصوصاً با موراقتصادی مربوط است لزوم نوشتن وصیتنامه میباشد بر هر فرد واجب شده که وصیتنامه خود را بنویسد - بکمال آزادی ثروت و ماترك خود را به هر کس که میخواهد

یک اقدام تازه

هیئت تحریریه آهنگ بدیع که به پیروی از منویات خوانندگان علاقمند و صاحب نظر خود - پیوسته زود دست مطالب این مجموعه را بسررتی هرچه جالبتر متنوعتر و آورد . اخیراً تصمیم گرفته است از اول سال جدید قسمت جالبی بر صفحه آهنگ بدیع بیفزاید . همه احبابی عزیز شاید کم و بیش بدانند که در جامعه بهائی دانشمندان - نویسندگان - شعرا و مترجمین وجود دارند که آثار جالب و مفیدی از آنان بطبع رسیده است . از نظر شناساندن این دسته از یاران بجامعه بهائی و تسویق و ترغیب سائر افراد به تأسی از آنان آهنگ بدیع در صد مصرفی ایشان و آثارشان برآمده است و برای آنکه این قسمت بنحویه مرتب و صحیحی عملی گردد از این دسته از دوستان الهی استدعا دارد هرچه زود تر اطلاعات و مدارک ذیل را جهت این هیئت ارسال فرمایند :

- ۱- شرح حال بسیار مختصری از خود که مشتمل بر احوال شخصیه - وضع تحصیلی و علمی و حرفه ای (در صورت تمایل) و سایر مشخصات صاحب اثر باشد بانضمام یک قطعه عکس .
 - ۲- عنوان اثر یا آثار چاپ شده با ذکر تاریخ و محل چاپ و اسم ناشر .
 - ۳- شن منقصر در عین حال جامعی از مندرجات هر اثر بصورت خلاصه از آن کتاب بانضمام یک نسخه از کتاب مورد بحث .
 - ۴- دادن هرگونه اطلاع یا مشخصات دیگری که در آن در مجله آهنگ بدیع بنظر صاحب کتاب مفید و آموزنده تشخیص داده شود .
- از آنجا که قرار است از اول فروردین ۱۳۴۱ ابتداءً آثار چاپ شده و صاحبان آن بجامعه بهائی معرفی شوند خواهشمند است با توجه به ضیق وقت هرچه زود تر مطالب فوق الذکر را تکمیل و در دسترس هیئت قرار دهند . علاوه بر صاحبان آثار چاپ شده از سائر خوانندگان عزیز نیز رجاء داریم از هرگونه مساعدت و ارائه دلریس ممکن که مآلاً موجب تسریع در اجرای - این مهم است دریغ نفرمایند .
- هیئت تحریریه آهنگ بدیع

وقایع مهمه امریه در ممالک اسکاندیناوی و فنلاند

«لو تسترون النور فی البرانه یظهر من قطب البحر
و یقول انی محی العالمین» حضرت امیرالمؤمنین

قلب مظهر مظهر امرش در آن ایام تیره و تاریک گرد اهل بها میتوانند نصرت و حمایت ربانی را برأی العین مشاهده کنند و بوضوح دریابند که چگونه در این مدت قلیل ید قدرت الهی "کنوز ارض" یعنی رجالی را از اجناس و ادیان و طبقات مختلفه بر نصرت و خدمت امرش جمعوت فرموده و صاحبان قدرت و شوکت را در مقابل مظهر ظهورش خاضع و خاشع نموده است و این خود نمونه ای از غلبه و قهاریت شریعت اسم اعظم در - مستقبل ایام میباشد . جمال قدم در ایام اقامت در ارض سر و بخصوص مدینه منوره عکانه تنها شریعت - مبارکشان را عمومی و جهانی معرفی فرمودند و اراده الهیه را در این دور مبارک تأسیس مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه و استقرار ملکوت صلح و سلام در بین کافه انام دانستند بلکه تعالیم و قوانین عمومی و جهانی نیز تشریح فرموده و در آثار مبارکه خود وصول بمرحله وحدت عالم انسانی را قطعیا و صریحا وعده دادند . در کتاب مستطاب اقدس که ام الكتاب این دور مبارک است قلم اعلی برای نفوسیکه در مجاورت قطبین و نقاطی که دارای شبها و روزهای طولانی و غیر مساوی است سکونت دارند درباره کیفیت اقامه فریضه صلاه و اوقات آن تعیین تکلیف میفرمایند و با نزول این آیه مبارکه تلویحا به نفوذ و سرایت امرغالی الهی در این نقاط و جامعیت و عمومیت آن اشاره مینماید
قوله الاعلی :

"والبلدان التي طالت فيها الليالي والايام -

در ایامیکه شمس بهادر زندان اظلم و انتن ارض - بکمال رضا قبول بلا فرموده اسیر سلاسل و اغلال اولی البتضا بود و حزب بایی پس از شهادت کبری مشقت و بریشان و مأیوس و نالان بنظم و ستم حکام و رؤسای ملت و علمان رسوم گرفتار هیچکس را گمان چنان نبود که در آینده ای نزدیک امر الهی از مومنان خود پای فراتر نهد و در قطب آفاق علم هدایت کبری برافرازد . و لکن یکی از علامات و کمالات مظاهر مقدسه الهیه آنست که بمدد وحی الهی وقایع آینده را - برأی العین مشاهده میکنند و از مال کار شریعتی که بارادة الله تأسیس میفرمایند بخوبی آگاهند و بر نصرت و تأیید ربانی مطمئن و امیدوار . و این حقیقت با مطالعه و دقت در کتب مقدسه و تاریخ ادیان آسمانی بخصوص این ظهور مبارک بکمال وضوح معلوم و هویدا میگردد . در حینی که سلطان قدم در سیاه چال - طهران مسجون و ابواب رضا از هر جهت مسدود و - دولت و ملت ایران بر تلخ و قمع شجره البیه همت گماشته بودند وحی الهی در آن مکان اظلم بر قلب مسرد اصفای جمال قدم نازل شد و بشیر الهی باین کلمات اعلی وعده نصرت و حمایت امر اعزا بهایش را فرمود
قوله تبارک و تعالی " . . . انا ننصرک بک و نعلمک لاتحزن عماورد علیک و لاتخف انک من الالامین بسوف یبست الله کنوز الارض و هم رجال ینصرونک بک و باسمک الذی به احیی الله افئدة العارفين" .
اکنون که قریب بیک قرن از نزول وحی الهی بر

آهنسنگ بدیع

فلیصلوا بالساعات والمشاغرة التي منها تحدثت -
الاوقات انه لهوالمبين الحكيم

و اليوم بندگان جمال قدم ملاحظه مینمایند که
چگونه ندای آلهی در ممالک اسکاندیناویا و فنلاند که
مجاور قلاب شمال است خیمه و خرگاه زده و قلوب جم
غفیری را بمغناطیس محبتش ربوده است و روز بروز -
آتش محبت الله شعله اش افزون میشود و در این نقاط
سرد سیر حرارت بخشردلها میکند .

در این مقال نگارنده فتوحات و پیشرفت های امر
آلهی و وقایع مهمه امریه را در ممالک اسکاندیناوی و
فنلاند از بدایت شروع نقشه ملکوتی و جهات آن
باستحضار خوانندگان عزیز میسر سازد و امیدوار است
که سبب سرور خوار یاران عزیز آلهی در مهد امرالله
گردد .

کنفرانس بین القارات که در سال ۱۹۵۴ در ظل
نقشه دهساله در استکهلم عاصمه سوئد منعقد
گردید اشتراک مساعی یاران را در فعالیت های امری
در ممالک اسکاندیناوی یعنی سوئد - دانمارک - نروژ
آغاز نمود . در این عتگم بنامه اراده مبارکه مولای
مهربان کشور فنلاند نیز از لحاظ نظم اداری باین
ممالک وابسته شد و نمایندگان یاران آن سامان در
لجنه ناحیه ای ممالک اسکاندیناوی که از سال -
۱۹۵۱ تشکیل شده بود مشارکت نمودند . لجنه
ناحیه ای مذکور از نمایندگان محافل محلیه این -
ممالک تشکیل میشد و هر محفل محلی دو نفر نماینده
در آن لجنه داشت . لجنه مذکور همچون دیگر
جوشان آداب و رسوم و افکار و روحیات مختلفه
یاران این ممالک را بهم مخلوط نموده و حسن تفاهم
بیشتری بین آنان بوجود آورد . لذا میتوان گفت
این لجنه نه تنها تجربه و مقدمه ای لازم جهت
تأسیس محفل روحانی ناحیه ای این اقالیم بوده که
در رضوان ۱۹۵۷ تأسیس گردید بلکه در ایجاد الفت
و آشنائی و وحدت نظر فیما بین یاران آلهی دل مهی
را ایفا نموده است . لجنه فوق الذکر در بدایت
(۲۱۲)

فعالیت خود وظائف مهمه بسیاری از قبیل تشکیل
کنفرانس های تبلیغی و مدارس تابستانه و انتشار
یک نشریه مخصوص و همچنین تقویت قوای روحانی افراد
جامعه و توسیع دایره الفت و اتحاد بین آنان را بر
عهده داشت که میبایست بکمال دقت و مواظبت
انجام دهد . این لجنه با همکاری و راهنمایی های
هوشیارانه لجنه تبلیغ ارویائی جامعه بهائی امریک
موفق شد که ارتباط رسوم بین جوامع بهائی این
اقالیم بوجود آورد و اساسی متین جهت انعقاد اولین
کارنشانی بهائی در ممالک اسکاندیناوی و فنلاند که در
رضوان ۱۹۵۷ در استکهلم منعقد گردید و همچنین
تأسیس محفل روحانی ناحیه ای این ممالک را در
سال بنا نهاد .

در باره کشورهای اسکاندیناوی و فنلاند و فعالیتها
روحانی و تشکیلاتی یاران آلهی لازم و شاید جالب
است که قبلا به نکات و حقایق جغرافیائی و سیاسی
ذیل توجه شود :

۱- ممالک اسکاندیناوی و فنلاند بین ۵ الی ۳۰
درجه طول جغرافیائی و ۵۵ الی ۷۰ درجه عرض
جغرافیائی قرار دارند و پایتختها و شهرهای مهم
این ممالک با داشتن فواصل بطور متوسط ۵۰۰ کیلومتر
از یکدیگر دور افتاده اند .

۲- زبان اهالی سه کشور اسکاندیناوی (سوئد
نروژ - دانمارک) بخصوص زبان اهالی دو کشور دانمارک
و نروژ از یک ریشه و تا حد زیادی بیکدیگر شبیه هستند
و افراد این ممالک بخصوص یاران آلهی زبان یکدیگر
را بهتر بیابندون اشکال بی فهمند تا آنجا که وقتی یک
اثر امری فی المثل بزبان دانمارکی ترجمه و طبع میشود
یاران آلهی در نروژ و در درجه دوم احبای سوئد
میتوانند از آن استفاده نمایند و لکن زبان اهالی فنلاند
ادنی شباهتی بلسان مردم ممالک اسکاندیناوی نداشته
بلکه اصولا با زبان مجارستانی خویشاوندی دارد . لذا
آثار و کتب و نشریات امری باید جداگانه جهت یاران
آن کشور منتشر شود .

آهنسنگ بدیع

۳- جزائر. لوفوتن سرزمین اصلی کشور نروژ و واقع در شمال این مملکت برطبق جغرافیای مطهر حضرت ولی مقدس امرالله و درطول نقشه جهانی دهساله از لحاظ تشکیلات اداری بهائی خارج از حوزه - حاکمیت تشکیلات بهائی نروژ قرار داشته و وضعی مخصوص ریخود دارد که انشاء الله درنقشه های آینده جامعه اسم اعظم و درظل هدایت بیت السد اعظم الهی وضع روحانی این جزائر که اکنون عده کمی از اهالی آن بهمت دونفر از اما * الرحمن آمریکا که از طرف لجنه تبلیغ اروپا بدان سمت هجرت - نموده اند بشرف ایمان فائز شده اند معلوم خواهد شد .

۴- جزیره اسپیتز برگن مجاور قطب شمال که مستعمره کشور نروژ است باداشتن مسافتی درحدود سه روز مسافرت دریائی از سرزمین مادری خود بدور افتاده و از ماه نوامبر تا ماه می هر سال (آبان الی اردیبهشت ماه) بعلت سرمای شدید و یخ بندان برقراری هر نوع رابطه ای با آن بجز از طریق مخابره با بی سیم غیر ممکن است . این جزیره برطبق اراده هیکل اطهر جز * اهداف نقشه دهساله قرار دارد و هم اکنون سه نفر مهاجر خالص و منقطع از یاران سه کشور هلند - انگلستان و ایالات متحده آمریکا در آن اقامت دارند و لکن بلوریکه ملاحظه میشود بعلت بعد مسافت و وضع خاص جغرافیائی از ناحیه ممالک اسکانندیناوی، بکناری افتاده است .

با توجه بشرائد و نکات فوقه اکنون حوادث و وقایع برجسته امریه و فعالیتهای تبلیغی و تشکیلاتی پیروان اسم اعظم در این صفحات را درطول نقشه دهساله باستحضار یاران عزیز میرساند: درسالهای که لجنه ناحیه ای ممالک اسکانندیناوی و فنلاند تشکیل بود چهار کنفرانس تبلیغی در اسلو (نروژ) و محلی نزدیک هلسینگی (فنلاند) و کینهاک - (دانمارک) و آخرین آن در سپتامبر ۱۹۵۶ در -

استکهلم عاصمه سوئد با حضور ایادی عزیز امرالله دکتر مولشلک و میس اوفا تر و نماینده لجنه تبلیغ اروپا منعقد گردید . موضوع کنفرانس و مدرسه تابستانه یاران فنلاند عبارت از " آماده گی جهت شرکت در خدمات امری " و موضوع اصلی کنفرانس استکهلم - آماده گی یاران جهت انسقاد اولین کانونش ۱۹۵۷ تحت عنوان " ای پروردگار : اقدام ما را ثابت بد ایزد بود . وضع جامعه بهائی در این ممالک و تعداد - محافل محلیه و جمعیت های بهائی و نقاط منفرد در آن تاریخ یعنی سپتامبر ۱۹۵۷ بقرار ذیل بود :

دانمارک - دارای یک محفل روحانی - هشت جمعیت بهائی - شش نقطه منفرد . ضمنا حظیره القدس عاصمه آن کشور خریداری و اقدامات لازم جهت تسجیل محفل روحانی در جریان بود .

سوئد - دارای یک محفل روحانی - دو جمعیت بهائی - دو نقطه منفرد . بعلاوه زمینی بمنظور بنای مشرق الاذکار تحت هدایت و تأکیدات مداوم هیکل اطهر در شهر استکهلم و در محلی مرتفع و بسیار مناسب خریداری و همچنین محلی جهت حظیره القدس یاران در همین شهر درست قبل از انعقاد اولین کانونش ابتیاع گردیده بود .

نروژ - دارای دو محفل روحانی بود . ضمنا حظیره القدس بهائی در اسلو در دست ساختمان و قطعه زمینی بسیار زیبا و مناسب نیز در شهر برگن جهت ساختمان حظیره القدس خریداری و دیانت بهائی بعنوان یک جامعه مذهبی از طرف دولت رسماً شناخته شده بود .

فنلاند - دارای یک محفل روحانی و سه نقطه منفرد بود . بعلاوه محفل مذکور بعنوان یک جامعه یا هیئت مذهبی از طرف دولت شناخته شده و حدایره القدس یاران در نزدیک هلسینگی ابتیاع و قطعه زمین دیگر نیز خریداری گردیده بود .

در کنفرانس استکهلم اهدافی که باید بوسیله یاران (۲۱۳)

آهنگ بدیع

این محفل مذکور نازل فرمودند که قسمتهائی از آن محفل مزید تبصر یاران در این مقال ترجمه و درج میگردد .
" اکنون که سه محفل روحانی ناحیه ای در قاره اروپا تشکیل گردیده است حضرت ولی امرالله اطمینان میدهند که این پیروزی افتتاح یک مرحله جدید و حیاتی را در توسعه و پیشرفت امرالله در آن اقلیم مشخص میسازد . درک این حقیقت که امور امری و اداری یاران در جوامع بهائی اروپا در داخل آن قاره و بوسیله احبای بومی که بمشکلات موجوده و روحیات اهالی وقوف کامل دارند اداره میشود مزیت و موفقیت عظیمی را آشکار میکند همطن مشکلاتی که وقوف بر آنها بناچار برای لجنه تبلیغ اروپا امکان نداشت . هیکل مبارک بکمال اشتیاق از دیاد قابل ملاحظه یاران الهی را در جامعه های بهائی آن ممالک بمدد نقشه های مدبرانه و حسن اداره آن محفل انتظار دارند . هدف اساسی از تنظیم اداری بهائی در حال حاضر تبلیغ و تبشیر امرالله میباشد . اداره امرالله صرفاً عبارت از حفظ و صیانت و همچنین هماهنگ نمودن مساعی و مجاهدات آن میباشد . یاران الهی باید بکمال وضوح در نظر داشته باشند که حضرت ولی امرالله وظیفه خود میدانند وظائف و مسئولیتهای تاریخی آن محفل را خاطر نشان سازند . همان وظائف و مسئولیتهایی را که حضرتش بکرات بمحافل ملیه قدیم و متحن خاطر نشان فرموده اند و آن عبارت از اینست که آن محفل باید بکمال سعی از مصرفی و بکاربردن قوانین و نظاماتی که جریان توسعه ملایم و مستمر امرالله را در آن اقلیم دچار اشکال میکند و یاران الهی را از پیشرفت باز میدارد و آنان را بعللی غیر ضروری دچار هراس و پریشانی مینماید احتراز جویند . صرفنظر از اصولی که در آثار و تعالیم مبارکه در نهایت وضوح موجود است محافل ملیه باید منتهای کوشش خود را بطریق مختلفه بکار برند تا یاران را به تبلیغ انفرادی و خدمت مجدانه و فتح نقاط جدید و تبدیل جمعیتهای بهائی

این ممالک فتح شود بشرح ذیل باستحضار مجتمین رسید .

- ۱- دانمارک - ۳ محفل روحانی و یک نقطه منفرد
 - ۲- سوئد - ۳ محفل روحانی و ۷ نقطه منفرد
 - ۳- نروژ - ۲ محفل روحانی و ۷ نقطه منفرد
 - ۴- فنلاند - ۳ محفل روحانی
- با این وظائف مهم که قیام و مجاهدت دلیرانه را اقتضا داشت اولین محفل روحانی ناحیه ای - ممالک اسکاندیناوی و فنلاند در کاتونش رضوان سال ۱۹۵۷ در استکهلم انتخاب شد و اتفاقاً این واقعه تاریخی در حلیة القدس آن سامان که جدیداً ابتیاع شده بود انجام گرفت . در این نانوشتن ایادی عزیز امرالله جناب دکتر مولشلکل و نماینده محفل مقدس روحانی ملی بهائیان آمریکا میسرافاترو (صبیبه ایادی محترم امرالله امة الله کورین ترولیهها رضوان الله) و همچنین عده ای از مهاجرین و مجاهدین فی سبیل اللہ از جمله اولین مهاجر دلیر کشور سوئد یعنی مستر جینی آندرسن حضور داشتند . در این حفله نورانی هدایائی جالب شامل آلبوم عکسهای امری اهدا شده بود . جالبترین این هدایا عبارت از آلبوم حاوی عکسهای کلیه حضائر قدس بهائی در سراسر عالم بود که مولای بنده نواز اهل ببا حضرت ولی امرالله عنایت فرموده بودند . لجنه تبلیغ اروپا نیز آلبومی حاوی تبریکات و تهنیت های عموم محافل روحانی ملیه تهیه و اهدا نموده بود .

بدین ترتیب و در میان شور و نشاط احبائیکه حاصل زحمات چندین ساله خود را برای العین میدیدند اولین محفل روحانی ناحیه ای ممالک اسکاندیناوی و فنلاند تشکیل گردید . در این محفل سه نفر از یاران کشور سوئد سه نفر از نروژ دو نفر از دانمارک و یک نفر از فنلاند افتخار عضویت یافتند .

در جولای ۱۹۵۷ هیکل اداجر بوسیله منشی غربی خود یعنی امة البها " روحیه خانم توقیعی بافتخار

آهنگ بدیع

بمخاف محلیه غیره تشویق و ترغیب نمایند. هرگاه مسائل و مشاکی بوجود آید محفل ملی میتواند آنها را یکی پس از دیگری باروشی توأم با محبت و حسن تفاهم مورد رسیدگی قرار دهد و تعالیم و اصول بهائی را چه از نظر جنبه روحانی و چه از لحاظ نصوص الهی برای حل مشکلات بکاربرد و لکن همواره باید از قوانین و نظامات اضافی و رعایت تشریفات مفرد اداری و غیر ضروری اجتراز جوید. وظیفه اولیه عموم افراد بهائی که بوسیله حضرت بها^ع الله بشخصه معین و مشخص گردیده عبارت از تبلیغ امرالله میباشند و این بزرگترین مزیت و موهبتی است که بیاران الهی عنایت شده است. آنان باید نفوس مشتاق و منتظر را جستجو کنند و با طبقات و اجناس و فرقه مختلفه خلطه و آمیزش جویند و ازین آنان نفوسی را که مستعد پذیرش روح الهی هستند بیابند و سپس بکمال محبت و درایت آنان را هدایت نمایند تا قدم اساسی یعنی شناسائی مظهر الهی را در این یوم مبارک بردارند. یاران الهی نه فقط باید باعلان امرالله در حظیره القدس و از طریق جلسات عمومی و کلاسهای مطالعه و تحقیق تشویق شوند بلکه لازم است به تبلیغ انفرادی در منازل خود و بوسیله آنچه که یاران آمریک آنرا فایر ساید (بیت تبلیغی) نامیده اند نیز تشویق گردند این تماسهای انفرادی و دوستانه در اقبال مومنین جدید و تقویت آنان تأثیرات بیشتری از سایر طرق تبلیغی در بردارد. حضرت ولی امرالله امیدوارند که در تأسیس نقشه شش ساله یاران آن اقلیم، محفل شما اهداف فوری را به ترتیبی انتخاب خواهند کرد که یاران را بهجرت به شهرها و نقاط مجاوره و تشکیل مراکز و محافل جدید و تحریر و تشویق نماید اهالی ممالک اسکاندیناوی و فنلاند بعلمت هوشیاری و ذکاوت و تمدن و لیاقت خود مدتها از طرف ملل سائره مورد تحسین قرار داشته اند و هیکل مبارک مشتاقانه منتظر فتوحات روحانیه ای که بهائیان

این اقلیم در طول شش سال آینده بدست خواهند آورد میباشند. همچنین آن محفل باید بمسئله ترجمه آثار و کتب امری توجه شایان مبذول دارد. هرچند مومنین اولیه که بامر الهی اقبال نموده و چشمههای جوشان از وفاداری و فداکاری بوده اند عملاً از آثار مبارکه بنفیر از چند مناجات و قسمتهائی از کلمات مبارکه مکتوبه را نخوانده بودند و لکن روحیات افراد انسانی در این ایام کاملاً متفاوت بوده و آنان حقایق و تعالیم الهی را بیشتر از طریق عقل و ادراک و نه از راه قلب و احساس درک و قبول مینمایند بدین جهت آثار و کتب متعدد بهائی که بلسان انگلیسی موجود است باید بکمال دقت و بنحو شایسته بالسنه دانمارکی، نروژی، سوئدی و فنلاندی ترجمه گردد و تا آنجا که مقتضیات اجازه میدهد کتب جدید به جهت یاران الهی بالسنه مذکوره طبع و نشر شود این اقدام نه تنها سبب تزیید معلومات و اطلاعات افراد احبا^ع میگردد بلکه بنحوی مؤثر مجاهدات تبلیغی آنان را نیز تقویت خواهد نمود.

میل مفرد حضرت ولی امرالله و انتظارشان از آن محفل آنست که در این مرحله اولیه توسعه و پیشرفت امرالله در آن اقلیم که تحت اداره و حاکمیت آن محفل قرار دارند کمال صبر و بردباری را در اداره امور جوامع بهائی بکار برند باید بخاطر داشته باشید که یاران الهی اساساً از مومنین جدید و کم تجربه بوده و غالباً بکسب معلومات و فهم بیشتر آنچه که دیانت آنان بدانها تعلیم میدهد و مقصد و هدف آنست احتیاج دارند. اقدام تند و خشن هرگز نباید اعمال شود آنانکه ضعیف و زحمت افزاینده باید بکمال صبر و متانت پرستاری و مواظبت گردند تا هرچه بیشتر از افراد بالغ بهائی شده و قادر به تحمل و قبول سهم کامل مسئولیت خود گردند. فی الحقیقه محفل شما باید مانند پدر و مادری مهربان و نه همچون یک قاضی سختگیر رفتار نماید. حضرت ولی امرالله امیدوارند

آهنگ بدیع

دارند بیشتر از پیش آماده نمود .
در انتخابات ملی که در این کانونش انجام گرفت یکی از یاران سوئد بجای نمایند ه کشور فنلاند به عضویت انتخاب و این امر باعث شد که در طول سال بعلمت نبودن نمایند ه از کشور اخیر الذکر محفل ملی از وضع امری آن کشور بطور مستقیم اطلاع حاصل نکند و بطور محسوس دچار اشکال شود . پس از انعقاد کنفرانس بین القارات فرانکفورت بلا فاصله یک کنفرانس تبلیغی در هر یک از ممالک اسکاندیناوی و فنلاند بطور جداگانه منعقد گردید در این کنفرانسها افتخار جدیدی نصیب یاران این اقالیم شد و آن عبارت از انتخاب امة الله مد ستاویدا از شهر برگن واقع در نروژ بسمت معاونت ایادی در این ممالک از طرف حضرات ایادی امرالله مقیم اروپا بود که در تمام این کنفرانسها شرکت نمود و مشوق یاران رحمانی بخدا ما امری میشدند . از طرف دیگر شرکت مشارالیهادر کنفرانسهای حضرات ایادی امرالله در اروپا و مراجعت ایشان سبب میشد که روح جدیدی در کالبد یاران دمیده شده و احساس ارتباط بیشتر با مرکز جهانی امرالله و آگاهی بمسئولیتهای جهانی جامعه بهائی بآنان دست دهد بخصوص که مشارالیها عضو محفل روحانی ملی این اقالیم نیز بوده و میباشند . از دیدار عد دیاران همانطور که از طرف هیکل اطهر از پیش بشارت داده شده بود در این ممالک بخصوص در کشور فنلاند و در شهرهای جز " اهداف بهمت ستاینندگان اسم اعظم آغاز گردید و محفل روحانی ملی تصمیم گرفت که تا سال ۱۹۶۱ جلسات کانونش بخیر از مدینه استکهلم به ترتیب در ریاستختهای سایر ممالک اسکاندیناوی و فنلاند یعنی کپنهاک ، اسلو و هلسینگی منعقد گردد .
کانونش رضوان سال ۱۹۶۱ یعنی آخرین کانونش مشترک ممالک اسکاندیناوی و فنلاند از لحاظ تعداد و نمایندگان و حاضرین در آن که از احبای بوی ایسن ممالک و مهاجرین عزیز ایرانی و آمریکائی و همچنین

که مسئله زمین مشرق الانکار در استکهلم بسرعت حل شود و نظر مبارکشان اینست که محفل شما باید توجه مخصوص باین موضوع معطوف دارد . . . مطمئن باشید که هیکل اطهر همواره در احیان دعا و مناجات شمارا بخاطر داشته و برای هدایت و صیانت شما و تحقق عالیترین اهداف و آرزوهائی که جهت اتم و وظائف و مسئولیت های جدید ه خود در دل میپرورائید تضرع میفرمایند " باتقدیم گرم ترین تحیات بهائی - منشی روحیه - ربانی .

در این توفیق مبارک هیکل اطهر مجددا نیز اهمیت جزیره اشیتیزبرکن و فتح روحانی آنرا تأکید میفرمایند لذا وقتی که محل مشرق الانکار در استکهلم ابتیاع و اولین مهاجر دلیر و تهرمان مستر پول آدامز Paul Adams جزیره مذکور که از اهداف مهم محسوب و نزدیک قطب شمال واقع عزیزت نمود سبب سرور - فوق العاده محفل ملی اسکاندیناوی و فنلاند گردید . اولین مدرسه تابستانه بهائی تحت اداره و - مسئولیت محفل ملی جدید التاسیس در آلهورک دانمارک تشکیل گردید و پنند نفر از یاران عزیز کشور مقدس ایران نیز حضور داشتند همچنین حضور ایادی عزیز امرالله جناب دکتر مولشلنگ سبب سرور فراوان و استفاده یاران او محضرشان گردید و یک محصل دانمارکی در این مدرسه اقبال با مرالله نمود .

دومین کانونش ملی بهائیان اسکاندیناوی و فنلاند در رضوان سال ۱۹۵۱ و پس از صعونهیکل اطهر در مدینه استکهلم منعقد گردید . در ابتدای کانونش بیاد بود مولای محبوب و مهربان اهل بها برنامه ای مخصوص اجرا شد در این کانونش نواری که از کنفرانس کامپالا ضبط شده و حاوی بیانات امة البها " روحیه خانم نمایند ه مخصوص هیکل اطهر و سایر حضرات ایادی امرالله و نیز بیانات تحیت آمیز یاران سیاه پوست افریقا بود روحی جدید در مجتمعین دمید و آنان را - برای انجام وظائف مهمه ای که در سنین آتیه برعهده

آهنسنگ بدیع

مشاهده نموده است که بردخت آرزو و آمالشان روئیده است . همان درختی که سالیان متمادی - بکمال همت و مداومت و جانفشانی نگاهداریش نمود و بخون دل آبیاریش کرده اند . در آن ایام ستایندگان اسم اعظم در چهار کانونش ملی جداگانه که در عاصمه هر یک از این ممالک و با حضور حضرات ایادی امرالله منعقد میشود شرکت نموده و بوسیله نمایندگان منتخب خود اعضای اولین محفل روحانی مشتعل خویش را انتخاب مینمایند . با تأسیس این چهار محفل ملی سابق اراده مناع و ملکوتی حضرت ولی محبوب امرالله چهار عمود دیگر بر آمده دیوان عدل الهی در قاره مصیبت دیده اروپا که هنوز هم در خواب غفلت و بی خبری بسر میرود و در ظاهر فریبنده تمدن مادی خود غرق است افزوده میشود . چهار محفل ملی فوق الذکر در رضوان ۱۳۶۳ همراه با سایر محافل ملیه در سراسر عالم بهائی در - انتخاب اعضای بیت العدل اعظم الهی شرکت خواهند نمود . تأسیس این محافل ملیه بدون شک دراز یاد عدد مؤمنین و استحکام اساس امرالله و توسعه و نفوذ روز افزون آن در این ممالک که در شمال اروپا واقعند نقش موثری را ایفا خواهند نمود . انتهى

عده ای از مبلغین و مشوقین و بالغ بر ۷۲ نفر ترکیب شده بود و از جهات دیگر از کانونش های گذشته ممتاز بود بخصوص که دو نفر از حضرات اعضای هیئت معاونت ایادی در اروپا (خانم مدستاویدا و جناب ایان سیمبل) نیز حضور داشتند . در این کانونش احبای مجتسمه و نمایندگان محافل محلیه از انجام و اتمام نقشه های روحانیه خود و تشکیل تعداد لازم محافل محلیه بر طبق نقشه مبارک دهساله بی نهایت مسرور بودند بخصوص که در کشور دانمارک یک محفل اضافی یعنی جمیعاً ه محفل روحانی بهمت مهاجرین عزیز ایرانی تأسیس شده و راه از سر لحاظ برای تأسیس چهار محفل ملی مستقل در رضوان آینده هموار شده بود در این کانونش اهدای روحانیه و وظائف - آینده بخصوص تقویت بنیه روحانی جامعه و مسئله تبلیغ امرالله و تفرق آن و همچنین آماده گی یاران جهت تأسیس محافل ملیه جدید در سال آتی مطرح و بعلاوه پیام حضرات ایادی امرالله مقيم ارض - اقدس قرائت و مورد مشاوره قرار گرفت .

مدرسه تابستانه سال ۱۳۶۱ یاران مالک اسکندیناوی و فنلاند تحت نظارت محفل ملی و با حضور بالغ بر ۱۳۰ نفر از یاران الهی این ممالک و مهاجرین ایرانی آمریکائی و آلمانی از نژاد سفید و سیاه بکمال شکوه و جلال در کشور سوئد در نقطه ای زیبا و مناسب بمدت یک هفته منعقد گردید . حضور ایادی امرالله جناب دکتر مولشلگل نیز سبب نورانیت جلسات مدرسه و کسب فینز یاران بود محیط مملو از روحانیت و صفای این مدرسه که در یک هتسل مسرور و قدیمی منعقد شده بود بخدی بود کسیم نفوس غیر بهائی را نیز تحت تاثیر قرار داده و - بالاخره منجر باقبال و ایمان سه نفر از شرکت کنندگان غیر بهائی گردید .

با فرارسیدن رضوان سال ۱۳۶۲ مردم شوق و اشتیاق یاران الهی بیشتر میشود زیرا آن ایام موسم

+++++
 + " . . . به بینید که قوه آسمانی چه نفوذ عظیمی
 + دارد که مسافت هزار فرسنگها حکم یک قدم یافته و
 + شعوب مختلفه را که هیچ مناسبت و مشابهت -
 + بهمد یگرند ارتد چگونه از تباطو و اتحاد داده است
 + لله القدرة من قبل و من بعد ان الله علی کل
 + شیئی قدیر "
 + (مکاتیب جلد سوم ص ۱۶۱)
 +
 +
 +
 +
 +
 +
 +
 +
 +++++

نامه‌ای بفرزندان

غلامرضا روحانی

فرزند عزیزم نامه شمارسید و متعین آن موجب مسرت گردید زیرا در عصری از اعصار که بیشتر - افکار حصر در مادیات است مرقومه شما تاکی از آن بود که شبها بنواب منبروی و در رسترا راحت در باره معنویات و علت ایجاد کائنات فکر میکنی و بمصداق "تفکر ساعة اخیر من عبادة سبعین سنه" آن افکار پر انوار هر ساعتش بهتر از هفتاد سال عبادت است حال سعی میکنم که بقدر گنجایش نامه جواب سئوالات شما را بنگارم و برای حصول کمال مالموب بمطالعه الواح و آثار مبارکه محول دارم .

سئوال - "ما کیستیم و برای چه بد دنیا آمده ایم"

جواب - ما موجودی هستیم که ناممان بشر است و روح انسانی بالقوه در ما موجود است مانند یک دانه گرد و که روح نباتی بالقوه در آن موجود ولی تا زمانیکه از قوه بفعل در نیاید یعنی تحت توجه و تربیت باغبان در زمین کاشته نشود و کود و آب بآن نرسد و شعاع آفتاب بر آن نتابد و درخت تنومند و بارور نگردد آن دانه گرد و اگر چه بالقوه دارای روح نباتی است لیکن در حقیقت مانند جماد است و یاد رختیکه بر اثر سموم باد نوزان و سرمای زمستان لخت و عریان و مانند چوب خشکیده بی نمای است و فاقد رشد و نمو گردیده نه دارای ثمریست و نه شکوفه و بار و بری وجودش چنان افسرده است که گوئی فاقد روح نباتی و در حکم مرده است لیکن همیشه نسیم جانبخش فروردین وزید و نفع باد - بیماری بر جسمش دمید و بر تو خورشید نوروزی برهیکلش تابید روح نباتی که بالقوه در آن مخفی بوده از توه بفعل درآمده و آن درخت عریان سراپا غرق شکوفه و گل میشود و از برگهای تروتازه پای تاسرخرم و سر سبز میگردد و بایکد نیا جمال و جلال در باغ و بوستان جلوه میکند و از انمارش باهل امکان بهره میبخشد همچنین است حال بشر که روح انسانی را بالقوه داراست ولی مادامیکه در ظل تربیت مری حقیقی در نیامده و بعرفان و ایمان مذهب امر و مالمع وحی الهی فائز نگشته و تعالیم و احکام ربانی راهجری - نداشته او از اهل ضلالت و گمراهیست ولو جمیع اعمال و عبادات متداوله راهم مجری دارد پس اگر بفرموده حضرت مولی الوری جل ثنائه "ببائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی نشده باشد روح انسانی که بالقوه در او موجود است از توه بفعل در نیامده و بمقام بلند انسانی نرسیده است .

دی شیخ با چراغ همیگشت گردشهر کز دیو و دد ملولم وانسانم آروزوست

گفتم که یافتی نشود جسته ایم ما گفت آنکه یافتی نشود آتم آروزوست

آری بشریکه فاقد ایمان و عرفان باشد انسان نیست بلکه در ردیف دیو و دد است چنانکه در قرآن کریم

سوره اعراف آیه ۱۷۸ میفرماید :

"لهم تلو لا یقهبون بها ولهم اعین لا یبصرون بها ولهم آذان لا یسمعون بها اولئك كالانعام بل

هم اضل اولئك هم الخافلون"

(۲۱۸)

آهنگ بدیع

یعنی ایشانرا دلهاست که با آن درنی یابند و چشمهاست که با آن نبی بینند و گوشهاست که با آن نبی شنوند آن گروه مانند چهار پایان هستند بلکه گمراه ترند از چهار پایان و آنانند از غافلان . و در سوره جمعه آیه ه میفرماید " مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحطوها کمثل الحمار یحمل اسفارا " شیخ اجل سعدی علیه الرحمۃ در اینمعنی چه خوب فرموده است :

علم چقدر آنکه بیشتر خوانی	چون عمل در تون نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند	چاربائی بر او کتابی چند
آن تهی مگر از آنچه علم و خبر	که بر او هیزم است یاد قفسر

آری دانشمندی که از فیض عرفان و عمل بشرایت ایمان بی بهره و نصیب باشد بمب اتنی میسازد و جهانرا بمخاطره می اندازد و شهرها را بآتش میکشد و ملیونها مردم بی پناه و بی کناه رامیکشد و طبیب بی ایمان هم از آدم کشی بیمی ندارد و قاضی بی ایمان را از فتوای بناحق باکی نیست و فیلسوف بی ایمان و عرفان را جز بعالم محسوس ادراکی نه . دانش آنان مانند چراغیست که دزدان از آن استفاده کنند " چون دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا " علم بی عرفان و ایمان بر اهل امکان جز خسران حاصلی ندارد پس ما را در صورت دارا بودن شرایط انسانیت انسان و اشرف مخلوق خدا مینامند و ما بد دنیا نیامده ایم جز برای عرفان مظاهر الهی و ایمان با آن وجودات مقدسه . و جمیع مواهب الهیه در ایمان است .

ایمان نیرتست درخشنده و تابان که ^{چون} بر جسم مرده بتابد آن مرده حیات ابدی بیابد .

ایمان بحرست بیکران که مخزن لثالی عرفانست و قلب مؤمن عرش رحمانست .

ایمان گنج شایگانست که ناز آن هر چه انفاق کند و برایگان بخشد چیزی از آن کاسته نشود بلکه هر دم هزار پند آن فزونی یابد .

ایمان نسیم کوی جانان است که زنگ غم از دلها بزداید و بروی مشتاقان ابواب فرح بگشاید .

ایمان باران ابر نیسانست که کشتزار دلها را سرسبز و غرم سازد .

ایمان سفینه نجات و حصن امانست که ساکن آن ایمن از هر بلا و طوفانست .

ایمان نسیمات ریاض رضوانست که عند لبیان گلشن عشق را بهوش آورد و از صهبای شوق جمال گل مد هوش سازد و چنان شور و سروری هوید آکند که هر دلیر بینوائی بنوا در آید و آهنگ بدیع ترانه ما سراید .

ایمان شجره بلبیه ایست که شاخه های آن درخت پاک از سیط خاک سربافلاک کشد و سالمانی میوه های گوناگون بخشد . میوه های درخت ایمان عبارتند از :

صدق و صفا - مهر و وفا - دانش و بینش - کرم و بخشش - شجاعت و همت - فتوت و غیرت - رحم و مروت - محبت و الفت -

شرافت و امانت - تقوی و دیانت - طاعت و عبادت - خوشبختی و سعادت - حکمت و عرفان - روح و ریحان - فروتنی و

مخشوع - ادب و خشوع - صلح و صلاح - نجاج و فلاح - یگانگی با اتم - دوستی با اهل عالم .

پس خوشبختی و اقبال منتسبین اسم اعظم که از میوه های شجر ایمان تسمت میبرند و بد یگران بهره و نصیب میدهند و شکر این

مواهب الهیه شب و روز حمد و ثنای حق را بجای آورند و از آستان الهی رجاء مینمایند که هر چه زود تر و عود الهیه تحققی یابد

و در بر تو آفتاب عرفان و ایمان روح انسانی در عالم بشری از قوه بغض در آید و وحدت عالم انسانی و صلح عمومی در جمیع اقالیم

جهان برقرار و استوار گردد تا چنانکه فرموده " جهان المانی نورانی شود و عالم جسمانی روحانی گردد انتهی "

فرزند عزیزم چون نامه را پیش ازین گنجایش نبود باختصار نگارش رفت و جواب بقیه سئوالات شمارا بنامه های بعدی موکول میدارد والسلام علی من اتبع الهدی ذره فانی غلام رضا روحانی .

شهباز اوج عشق

«ورقار»

شهباز اوج عشق پریدن گرفت باز
نار جمال یارش از پرده آشکار
باد سحر حکایت یسای حسن گفت
چون غنچه شد شکفته همه غتده های دل
قدرت ز فرط بهت سرنگشت خویش را
صبح وصال سرزود مشکین غزال دل
خضر نظر ز لعل لب جانفرای دوست
یزدان عشق آمد و او همین هوی
بر باغ و راع باد بهساران فرود کرد
طفل شکوفه در چمن از رسته سحاب
هر جلوه که بود و رای حجاب غیب
ساقی بیا که شاهد اجماسی روحیان
شمس قدم در آینه افکنند جلوه ای

در سینه طیر عقل خزیدن گرفت باز
موسی بسوی طور دویدن گرفت باز
مجنون عشق جامه دیدن گرفت باز
گوئی نسیم فصل وزیدن گرفت باز
در صنعت رخ تو گزیدن گرفت باز
در مغزار عیش چریدن گرفت باز
مار بحسیوه روح مزیدن گرفت باز
در مغزل خمول خزیدن گرفت باز
ارکوه و دشت سبز و مید گرفت باز
در مهد طبع شیر مکیدن گرفت باز
بر عرصه ظهور رسیدن گرفت باز
در بوستان وصل حمیدن گرفت باز
بر حسن خود معاینه دیدن گرفت باز

«ورقار» مگر صغیر رسیدنش ز دیکه عرش

کز شاخسار سدره پریدن گرفت باز

یادبودنجا همین سال سفر حضرت غصن اللام عبد البها

کیشورنگلستان

ترجمہ و تلخیص: مهندس پرویز مندی

مجله (بهائی جرنال) نشریه محفل مقدس ملی بهائیان جزایر بریتانیا در شماره ۴۷ خود در اگست ۱۹۶۱ منتشر گردید تمثال حضرت عبد البها * را نیز گراور نموده و در تحت عنوان فوق و بیاد ایام مبارکی که خاک آن کشور بقدم مرکز عهد و میثاق الهی مزین بود قسمتی از بیانات مبارک را درج و شرح مبسوطی بدین مناسبت نگاشته که خلاصه آن ذیلا نقل میگردد

+++++

در ماه سپتامبر ۱۹۶۱ پنجاه سال از تاریخ اولین سفر همیکل مبارک بانگلستان میگردد . این مهمترین واقعه تاریخ انگلستان است و شاید نظیر آن هرگز اتفاق نیفتد .

سفر تبلیغی حضرت عبد البها * بجهان غرب بفرموده حضرت ولی مقدس امرالله " آنقدر عظیم و پر ثمر بود که از بزرگترین وقایع حیات روحانی عبد البها * محسوب میشود " در این سفر حضرت عبد البها * " عظم امر پسدر بزرگوارش را بمغرب زمین اعلام نمود " سه سال مقدسی که در آن حضرت عبد البها * در اروپا و امریکا سفر فرمودند بزرگترین نقطه تحول تاریخ قرن حاضر است .

حضرت عبد البها * در ماه اگست سال ۱۹۱۱ کشور مصر را ترک و در ماریسی از کشتی پیاده شدند و پس از توقیف مختصری در THONON LES BAINS در ساحل دریاچه ژنو در چهارم سپتامبر بلندن وارد و خانم بلافیلد از ایشان استقبال کردند .

حضرت عبد البها * تقریباً مدت یکماه در لندن در منزل خانم بلافیلد (شماره ۹۷ CADOGAN GARDENS ساکن بودند و در روزهای ۲۳ الی ۳۵ سپتامبر به بریستول تشریف فرما شد و در

VANNERS BYFLEET CLIFTON GUEST HOUSE توقف فرموده و شب ۲۸ سپتامبر در

اقامت نمودند بعد از تاریخ سوم اکتبر بپاریس عزیمت نمودند و مدت ۹ هفته در آن شهر اقامت فرمودند (در این احوال خانم بلافیلد و دختر ایشان و یکی دیگر از احباب مجموعه خطابات مبارک در پاریس را از بیانات آنحضرت تدوین نمودند) حضرت عبد البها * در ماه دسامبر بمصر مراجعت نمودند در سفر دوم حضرت عبد البها بوسیله کشتی مستقیمابه نیویورک سفر نمودند و در تاریخ یازدهم آپریل ۱۹۱۲ بآن شهر وارد و سفر مهم و تاریخی خود را کسبه هشت ماه طول کشید در ممالک متحده امریکا و کانادا آغاز فرمودند . درینجمله دسامبر با کشتی S.S. CELTIC بطرف لیورپول عازم و در سیزده دسامبر بآن شهر وارد شدند و دو شب در هتل ADELPHI توقف نمودند و بعد بوسیله ترن بلندن نزول اجلال فرمودند . حضرت عبد البها * از آنجا شهر اکسفورد و ادینبرو را مورد بازدید قرار داده و در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۱۳ لندن را بقصد اروپای مرکزی ترک و طرف شش ماه از پاریس - اشتوتگارت

آهنگ بسدیغ

خانم بلافیلد شرح مبسوطی راجع باین ایام واساهی
افرادیکه بزیمارت هیکل مبارک موفق گشتند در رساله

" شاهراه منتخب " THE CHOSEN
HIGHWAY مرقوم داشته اند در سفر اول

حضرت عبدالبها * بلندن یکروز صبح زود ایشان -
صبحانه را بنا بدعوت شهر دار لندن در

MANSION HOUSE با او صرف کردند در ۲۹
سپتامبر در جلسه تودییی که توسط خانم کروپر

MRS. THORNBURGH CROPPER

PANMORE EDWARD'S

TAVISTOCK PLACE در SETTLEMENT

ترتیب داده شده بود شرکت فرمودند در این جلسه
که بزیمارت پرفسور MICHAEL

SADLER تشکیل شد قریب ۵۰۰ نفر شرکت
و بیانات مبارک را استماع نمودند درسی ام سپتامبر
حضرت عبدالبها * بنا بدعوت خانم :

ANNNIE BESANT رئیس جمعیت تیا سوفیه

THEOSOPHICAL SOCIETY

در محل جدید این انجمن خطابه ای ایراد فرمودند
دو روز قبل از حرکت از شهر لندن خطابه دیگری در

مرکز افکار عالیه HIGHER THOUGHT CENTER
ایراد فرموده و در روز اول اکتبر مراسم عقد بهائی را برای

مؤمنین شرقی انجام دادند باستانی مراسم عقد ضمیمه
مبارک این اولین مراسم عقد بود که توسط هیکل مبارک
انجام میگرفت .

بیانات مبارک در حین صرف صبحانه در روز عقد برای
همیشه در گوشه احبای انگلستان طنین انداز است

"من از اقامت در لندن بسیار لذت بردم و روی گشاده
احبای آن قلب مرا روشن و مسرور نمود من بعلت اتحاد و عشق
آنها بیکدیگر باینجا جذب شدم این ایام معدود بزودی
میگذرد ولی اهمیت آن طی قرون آینده در بین مؤمنین
سراسر جهان مشهود خواهد شد"

بود ایست و وین باز دید فرمودند .

حضرت ولی امرالله در مرقومات خود باحبای انگلستان
فرموده اند که این دو سفر کشور انگلستان را از سایر

کشورهای اروپا و امریکای شمالی "ممتاز" نموده است
و حبه های کاشته شده حال پس از مدتی سرسبز

شده و آثار آن در سراسر جزایر بریتانیا ملاحظه میشود
شهر لندن باین افتخار نائل آمده که اولین شهری

در انگلستان بوده است که در آن حضرت عبدالبها *
برای حضار غربی ایراد خطابه فرموده اند .

حضرت عبدالبها * با کبر سن (۷۰ سال از سن -
مبارکشان میگذشت) با شجاعت و قوت قلب و عزم را بنوع

اصول اساسی تعالیم جمال مبارک و آیات کتاب مستطاب
اقدس را برای بشریت بیان و در تمام جلسات با بیسان

ساده و محکم و عمیق تعالیم این امر عظیم را برای
رؤسای روحانی ادیان مختلفه و پیروان خود توضیح

فرمودند طی سه سال پر زحمت و مشقت حضرت -
عبدالبها * برجهان مستغرق در عوالم مادی و جهانی

که در سایه جنگ قرار گرفته بود کلمات مبارکه جمال
قدم را ترنم نمودند (نقل از GOD PASSES BY

اولین خطابه مبارک در "معبد شهر CITY

TEMPLE لندن در دهم ماه سپتامبر ایراد شد .
در این خطابه حضرت عبدالبها * دلایل موجود

در کتاب انجیل را بر حقانیت ظهور بیان فرمودند .
یکهفته بعد در ۱۷ سپتامبر در مجمع سنت جون

ST. JOHN در وست منیستر

WESTMINISTER خطابه دیگر

ایراد فرمودند . امواجی که بیانات مستدل مبارک
را در سکوت عمیق کلیسا بگوش حاضرین میرساند نیرو

و تأثیرات عجیبی داشت حضرت ولی امرالله میفرمایند
" در مدت اقامت حضرت مولی الوری در انگلستان

CADOGON GARDENS در

زیارتگاه و کعبه حقیقی طبقات مختلف مردم شده بود
(۲۲۲)

MAP OF

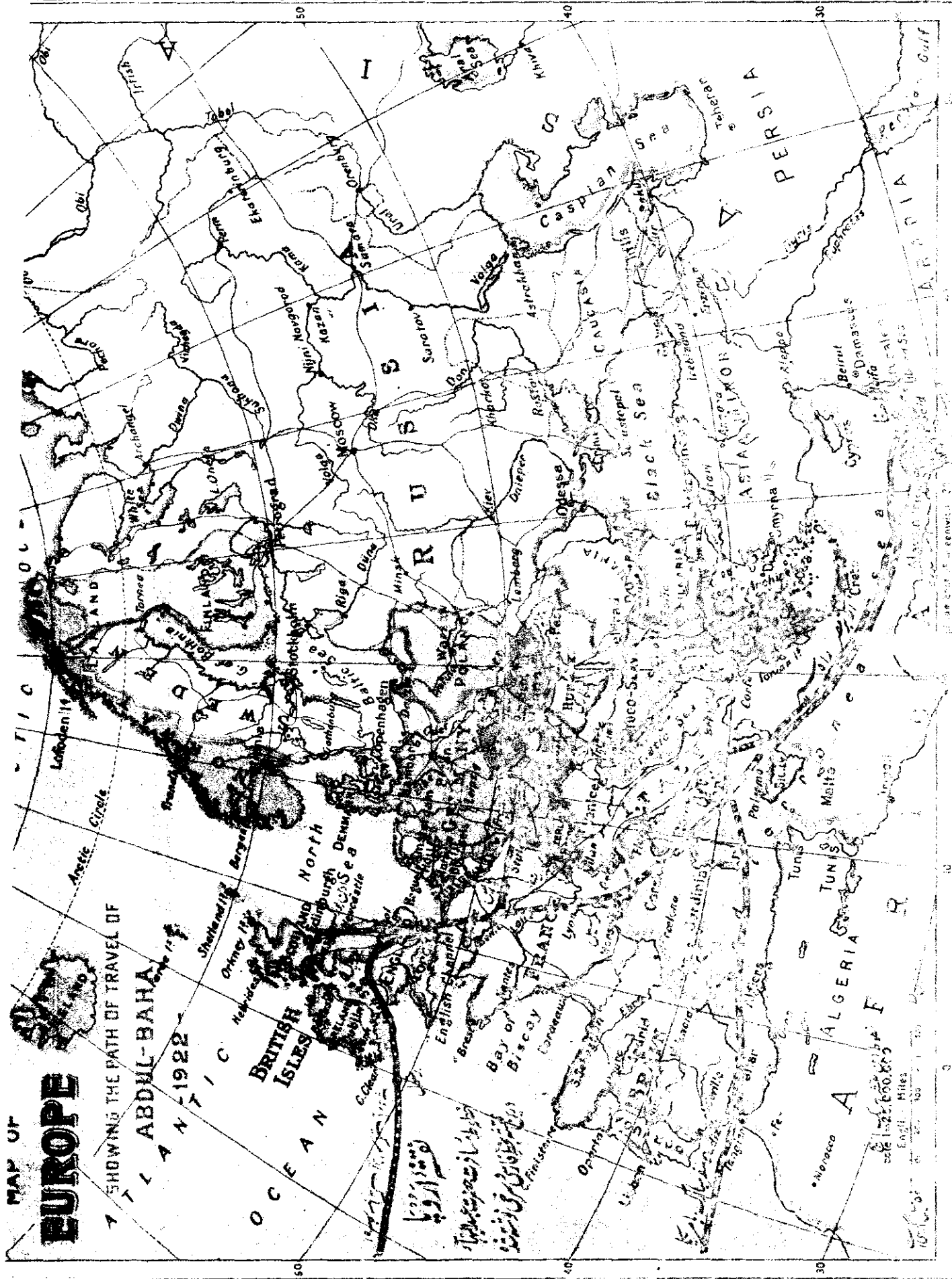
EUROPE

SHOWING THE PATH OF TRAVEL OF

ABDUL-BAHA

1912-1922

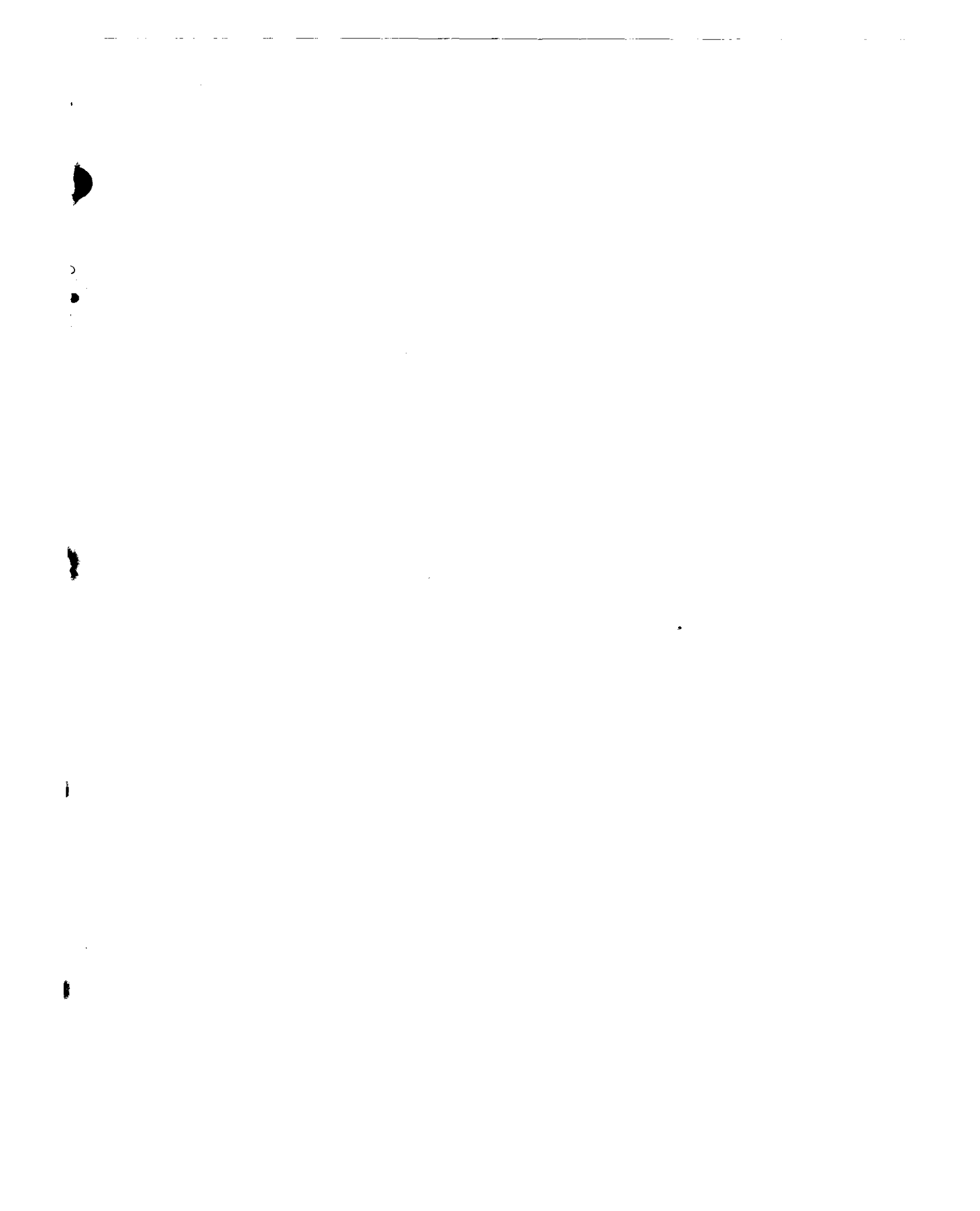
BRITISH ISLES

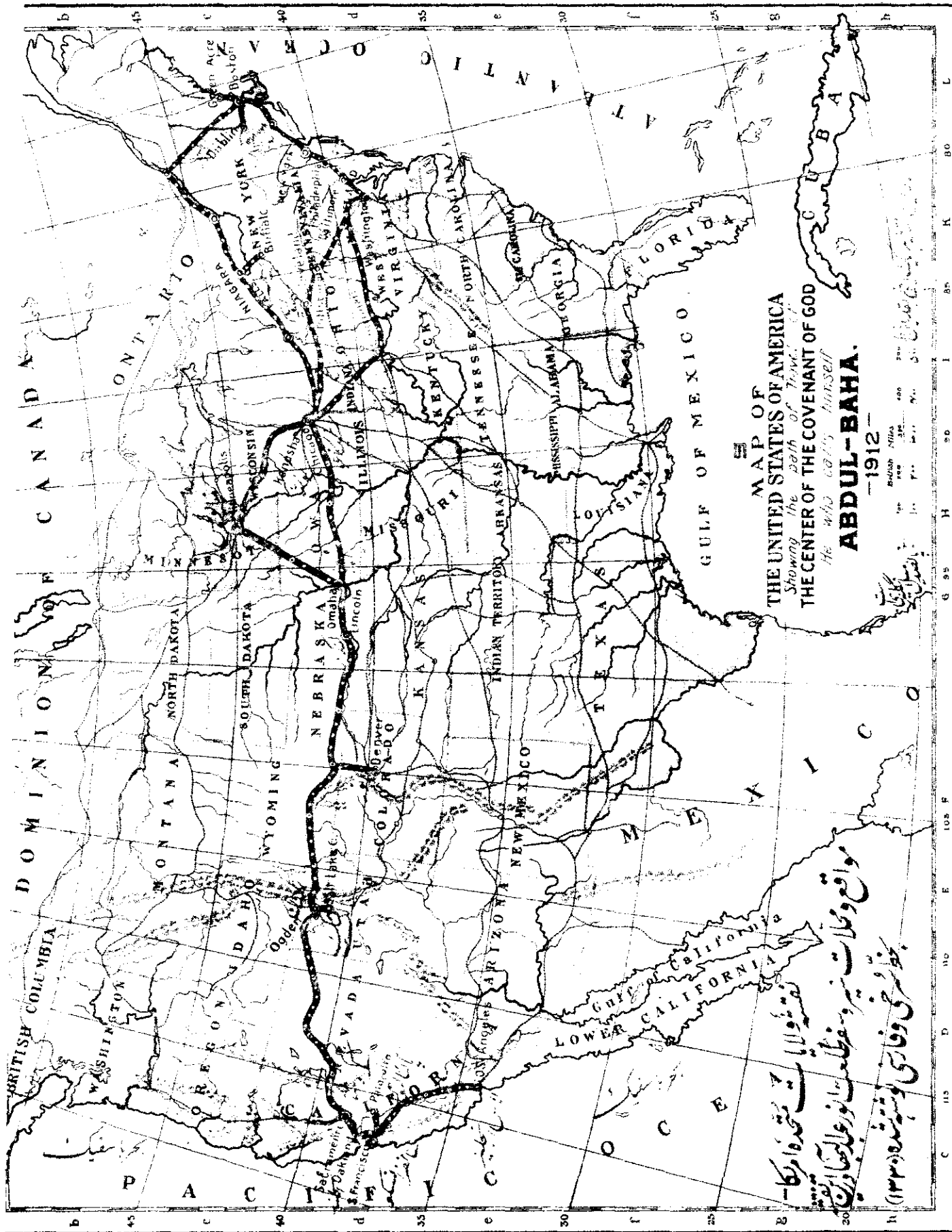


طريق سفر ابي عبد الله

1912-1922

Scale 1:25,000,000
 Miles





THE UNITED STATES OF AMERICA
 Showing the path of Travel of
 THE CENTER OF THE COVENANT OF GOD
 the who calls himself
ABDUL-BAHA.
 -1912-

موانع و ملامت نیر غفلت نور علیها السلام
 خط و فرضی و فخری و شسته شده (۱۳۳۰)
 محمد دارکابا



ندای الهی در اروپا

خطابه مبارکه در منزل لیدی بلا سفید

هو الله

هر انسانی باید اول در فکر تربیت خویش بپردازد در
فکر این باشد که خود را کامل گردد زیرا اول تربیت -
نفس خویش را لازم است ملاحظه کنید که جمیع کائنات
محتاج تربیت است ملاحظه میکنی هر نباتی که در -
نهایت ضعف است چون تربیت شود نهایت قوت یابد
گل‌های بسیار کوچک را تربیت میکنی بسیار بزرگ میشوند
درخت بی ثمر را تربیت میکنی با ثمر میشود زمین پر خراب
و خس را تربیت میکنی گستان میشود حیوان را تربیت
میکنی ترقی میکند حیوانات وحشی را تربیت میکنی رام و
اهلی میگردد پس واضح شده که تربیت در جمیع اشیا
اثر دارد ولی در عالم انسانی اعظم است انسان -
بی تربیت حیوان است بلکه از حیوان بدتر است مثلاً اگر
اطفالی در بیابان بمانند ابداً تربیت نمیشوند یقین است
جاهل میمانند یقین است از عالم مدنیّت بی خبر میشوند
نه صنعتی نه تجارّتی نه فلاحتی مانند اهالی افریقا
که در نهایت وحشیتند عالم اروپا را چه چیز از عالم
افریقا ممتاز کرده یقین است تربیت زیرا اهالی اروپا
تربیت میشوند اهالی افریقا تربیت نمیشوند و این واضح
و مشهود است که انسان محتاج تربیت است تربیت بر
دو قسم است تربیت روحانی و تربیت جسمانی تربیت
طبیعی و تربیت الهی انبیای الهی مری روحانی هستند
معلم الهی هستند نفوس را بتربیت الهی تربیت میکنند
قلب و اخلاق انسان را تربیت میکنند و همچنین ترقیسات
جسمانی در ضمن ترقیسات روحانی حاصل میگردد و چون -
روح انسان قلب انسان اخلاق انسان تربیت شود یقین

است تربیت جسمانی هم حاصل گردد پس امیدوارم
که شما بکوشید اول نفس خود را تربیت کنید اخلاق -
خود را تربیت نمائید گفتار خود را منظم کنید تا از نقائص
مبرا گردید و بفضائل عالم انسانی مزین شوید آنوقت
بتربیت ناس پردازید زیرا عالم انسانی تاریک است
ملاحظه میکنید که همیشه حرب و قتال است همیشه
نزاع و جدال است از خدا بطلبید بلکه شما مؤید شوید
موفق گردید که خدمتی بعالم انسانی نمائید سبب
روشنائی این عالم شوید و نیز قوه تعلیم و تربیت بر دو
قسم است یکی بواسطه اقوال انسان نفوس تربیت
میکند دیگر بواسطه اعمال انسان ممکن است باقوال
مردم را تربیت کند لکن اعظم از آن تربیت باعمال
است زیرا تأثیرش بیشتر است مثلاً انسان ذکر و فاکند و
مردم را بزبان دعوت بحبیت و وفانماید تا خود او بحبیت
و وفاقیام کند البته این عمل بیشتر تأثیر دارد یا آنکه
ناس را بکرم دعوت نماید تا خود او کرم نماید البته این
تأثیرش بیشتر است و اگر ناس را بمهربانی دعوت کند تا خود
او مهربان باشد البته این تأثیر بیشتر دارد انسان دیگر
را بهرچه که میخواند اگر خود عامل باشد البته تأثیر
دارد اما اگر ناس را بحسن اخلاق دعوت کند و خود سو -
اخلاق داشته باشد ابداً تأثیر ندارد اگر ناس را -
بعادل دعوت کند و خود عادل نباشد چه فایده دارد اگر
ناس را بوحدت عالم انسانی دعوت کند و خود عامل نباشد
چه ثمر خواهد داشت پس انسان باید سایرین را باعمال
خود تربیت کند زیرا انسان تاجوهر تقدیس نگردد و ایمان

نمونه‌ای از خلوص و وفا



عزیزان ایران که در ایام مولای عالمیان سربصحرای... هجرت نهادند بخوبی یاد دارند که در ایام اقامت بغداد در هر یک از ایام محرمه یکی از احبای وقور و غیور عرب بود که باقبائی گنان وبنائى ساده در گوشه حظیره القدس جالس و غرق عوالم خوشی و سرور خویش میگشت هرگز لبان او را بدون لبخند کسی ندیده و - کلمه ای برخلاف مهر و محبت احدی از وی نشنید جبینش گشاده و رویش چون غویش جالب هر لبخانی بود با اشاره ناظم جلسه لوحی یا مناجاتی مخصوص احتفال تلاوت میکرد صدایش گرم و کشیده بود آهنگی ملایم و مطبوع داشت کلمات را با کمال قوت و شیرینی ادا مینمود و هر آیه ای را ازین روح و سرچشمه فیاض قلب قوه میداد و بر اعماق دل مشتاقان بی نشانند از شدت هیئت و وقار هفته‌های اول با او صحبتی بمیان نیاوردم ولی رفته

رفته خود او احساس فرمود که گنجینه ای از مهر خالص در این سوی مجلس آمده و دلی در هوای محبت او دربرواز است لذا شبی در موقع تناول شام نزد این دلداده آمد و فارسی بسیار ملیح از فانی تفقدی عاشقانه نمود و اواصر عطوفت و وداد چنان بین ما محکم و استوار شد که نه یکبار بل بارها بخانه او رفتم و در آن کلبه مملو از سادگی و جلال ساعاتی را گذراندم که هرگز از خاطر من نمیرود .

این مرد نازنین و جلیل بسرفاطمه یکی از خادما ت بیت اعظم بغداد بود . در ایامیکه جمال اقدس ابهی از افق عراق بافاق اشراق میفرمودند و حضرت ورقه مبارکه علیا در آن بیت لطفی تنها وی مونس بودند این فاطمه هم سن آن ورقه طیبیه و ندیم آن ثمره تقدیس و تنزیه بود از روی شفقت بسیار حضرت خانم مؤانس خود را حبیبی مینامیدند لذا یاران آنزمان ویرا محبوبه صدا میکردند بهمین نام تا اواخر ایام شهرت داشت جلیل عزیز میگفت مادر خانه بحکم این مادر فارسی صحبت میکردیم و هر وقت باو عربی جواب میدادیم امر میکرد فارسی بگوئید که جمال قدم فارسی صحبت میفرمودند پس از سرگونی بغداد مادر در دریای هم و غم فرورفت و جز گریه و زاری و تلاوت -

مبادی تاریخ - تقسیمات زمان

از قدیمترین دورانی که تاریخ در دست است نوع بشر برای توجیه وقایع زمان اقدام بتأسیس مبدا^۱ های تاریخی کرده و از این مبادی بعنوان نقطه های اتکا^۲ و یا مبدا^۳ مختصات برای اندازه گیری فواصل وقایع استفاده - نموده است و نیز برای اندازه گیری زمان قائل بواحد های اندازه گیری مختلفی شده است . هر يك از ملل واقوام واقعه^۴ مهمی را مبدا^۵ تاریخ قرار داده اند و سایر وقایع را با ذکر فاصله ای که با مبدا^۶ دارد بیان میکنند از قبیل ظهور پیغمبران تأسیس یا انقراض دولتی بزرگ^۷ جلوس شاهان بزرگ^۸ یا وقایع مهم ارضی و سماوی . مهمترین و قدیمی ترین مبدا^۹ تاریخی که در مادی امر ذهن مردم متوجه آن شد ابتدای عالم یا اولین ظهور در کره خاک است ولی این مبدا^{۱۰} بعلت مبهم بودن و وجود اختلافات زیاد بین اقوام و ملل مختلفه هیچگاه جنبه رسمی و عمومی پیدا نکرده و صورت داستان و افسانه بشود گرفته است مثلاً بین حسابی که ایرانیان قدیم از ابتدای عالم تا ظهور زردشت و زمان اسکندر کرده اند از طرفی حسابی که یهودیان و مسیحیان و مسلمین از هبوط آدم تا طوفان نوح و ظهور حضرت موسی میکنند از طرف دیگر تفاوت بسیار موجود است و هر کدام از این دودسته نیز در بین خود راجع بفاصله این وقایع اظهار نظرهای مختلفی کرده اند .

راجع بلول از منہ ماقبل تاریخ - نظر قطعی و مسلمی در دست نیست و هر يك از محققین بر مبنای - قیاسات و تحقیقات زمین شناسی حدسی زده و قائل بتقسیماتی از لحاظ تفکیک عهد بحجر و مس و مفرغ و غیره شده^{۱۱} اند که گرچه ترتیب تکاملی ظهور انسان را پس از حیوان و حیوان را پس از نبات و نبات را پس از جماد دانسته اند ولی از لحاظ تعیین طول عهد و فواصل وقایع سندیت قطعی ندارد و بفرغ آنکه عمر کره زمین یا ظهور انسان را در آن ده ملیون یا صد ملیون سال قبل بدانیم از لحاظ تصورات ما و تکالیف و وظایفی که فعلاً و در آینده داریم فرقی نمیکند . از جمله مبادی مهم تاریخی که بین اقوام و ملل رواج داشته و برخی هم اکنون متداول است - ظهور زردشت در تاریخ ایرانیان قدیم تاریخ روی اسکندری^{۱۲} - قبطی^{۱۳} - کلدانی^{۱۴} - عبرانی^{۱۵} - یزدگردی^{۱۶} - میلادی^{۱۷} هجری و جلالی است .

سال هجرت حضرت محمد^{۱۸} "س" در دوره خلافت عمر خلیفه دوم مبدا^{۱۹} تاریخ اسلامی قرار گرفت و ماهها^{۲۰} آن در ابتدا قمری بود . تعیین هجرت از مکه بمدینه بعنوان ابتدای تاریخ اسلامی بدین علت بود که در خصوص مولد و مبعث پیغمبر اختلاف بود ولی روز ورود بمدینه هیچگونه ابهامی نداشت و نزد کلیه مسلمین محقق و ثابت بود که روز دوشنبه هشتم ربیع الاول بوده است و در سالی واقع شده بود که اول آنسال با اینجشنبه شروع میشد . علت دیگر تعیین هجرت بعنوان مبدا^{۲۱} تاریخ آن بود که کار مسلمین از ورود بمدینه قوت گرفت و فتوحات عمده اسلامی

آهنگ بدیع

از آن زمان آغاز گردید .

مسلمین در حیات پیغمبر " ص " هر يك از سالهای ما بین هجرت و وفات را بدون آنکه شمارش کنند بحسب واقعه ای که در آنسال اتفاق میافتاد نامگذاری میکردند از قبیل :

سنة الاذن - سنة الامر بالقتال - سنة التمهيص
سنة الزلزال - سنة الاستخلاب - سنة الوداع و -
غیره و این روش مشابه است بتاریخ اعراب قبل از اسلام که هر يك از سالها را بحسب وقوع جنگ بین قبائل یا واقعه مهم دیگری نامگذاری میکردند و سال تولد پیغمبر اکرم در عام الفیل (سال فیل) واقع شد که وجه تسمیه آن بر خوانندگان معلوم است .

ایرانیان قدیم مبدأ * تاریخ خود را از موقع بتخت نشستن پادشاهان حساب میکردند و سارمرگ هریاد شاهی مبدأ * را عوض کرده و آغاز یاد شاهی پادشاه جدید را ابتدای تاریخ میگرفتند و شروع و پایان هر سال نیز متغیر بود تا در دوره اسلامی که چون روز نوروز در مواقع مختلف سال شمسی واقع میشد برای تثبیت این روز و انطباق آن با اوضاع طبیعی و کشاورزی بامر المعتضد خلیفه عباسی در تقویم اصلاحاتی شد و همچنین در زمان ملکشاه سلجوقی اصلاح مجددی - در تقویم ایران بعمل آمد که ضمناً مبدأ * تاریخ جلالی هم قرار گرفت .

تقسیمات زمان

واحد های اندازه گیری زمان - این واحدها را به دو دسته میتوان تقسیم کرد :

۱- واحدهای اندازه گیری زمان که بر مبنای گردش افلاک و وقایع طبیعی تعیین شده اند .

۲- تقسیمات قراردادی زمان که بوسیله انبیا * یا رؤسای قوم و منجمین برقرار و متداول شده و بتدریج بصورت عرف و سنت درآمده است .

واحد های طبیعی عبارتند از :

(۲۲۶)

الف - شبانه روز - که از گردش زمین بدور محوری خود حاصل میشود . گرچه در فصول مختلف اندازه ها واقعی شب و روز فرق میکند ولی بز رویهم یک واقعه یا حادثه طبیعی را تشکیل میدهند که مقدار واقعی آن بجز در قطبین ثابت است .

در جوامع و عرفهای مختلف برای استقرار نظم عمومی و اتحاد شکل مقررات هنگام زوال یا طلوع یا غروب آفتاب و یا نصف شب را مبدأ * شروع روز قرار میدهند و بطوریکه میدانید در جامعه پیروان امر اعز ایمنی شبانه روز از غروب آفتاب شروع میشود و بغروب آفتاب روز بعد خاتمه مییابد .

ب - ماه قمری - که عبارت است از فاصله زمانی بین دو حالت متوالی و متحد الشكل ماه (معمولاً بین دو هلال که از لحاظ مقدار اصطلاحاً گاهی معادل با ۲۹ روز و گاهی ۳۰ روز است که اندازه حد وسط آن در سال ۲۹ روز ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه است .)

ج - سال شمسی - که عبارت از مقدار زمانی است که یکبار کره زمین بدور خورشید میگردد و اندازه - حقیقی آن ۳۶۵ روز پنج ساعت و کسری است و مقدار - کسری را رصدهای مختلف از ۴ دقیقه تا ۵۵ دقیقه و ۱۲ ثانیه ذکر کرده اند .

کیسه - هرگاه سیصد و شصت و پنج روز سال - را بعنوان سال اصطلاحی در تنظیم تقویم بحساب آوریم پنج ساعت و کسری زیاد میآید که در هر چهار - سان یکروز میشود و سالی را که با جمع ساعات زائده ۳۶۶ روز در تقویم بحساب آوریم و یا آنقدر ساعات - زائده را جمع کنیم تا معادل یکماه سی روزه شود آنوقت یکسال سیزده ماهه داشته باشیم سال کیسه گویند و این ترتیب بین ملت های مختلف و در دوره های مختلف سیستم های مختلف کیسه معمول بوده است

دوم تقسیمات قراردادی زمان

۱- هفته - چنین بنظر میرسد که قدیمترین و معمولترین تقسیمات قرار دادی زمان هفته باشد که

آشنایی بدیع

که عبارت از هفت روز است بنا بر نقل از قاموس کتاب مقدس "از ابتدا همواره عدد ایام هفته هفت روز بوده - است عدد هفت هم در کتاب مقدس برای عدد تام و کامل استعمال شده " منتهی بین ملل مختلفه روز شروع هفته و روز تعطیل فرق میکند یهود روز یکشنبه و مسیحیان دوشنبه و مسلمین شنبه را اول هفته میگیرند و اما در این دور مبارک چنین بنظر میرسد که حضرت تقیه اولی روح ماسواه فداه وجود واحدی از زمان را با سم هفته و تعداد روزهای آنرا بعدد هفت یا سامی خاصی امضا فرموده باشند و حضرت بها * الله جل ذکرة الاعلی هم تغییری ندادند و حضرت عبدالبها * جل ثناءه نیز در لوحی خطاب به "ظهر ان جناب استاد علی فخار و جناب استاد عبد الله فخار و جناب آقا سید ابراهیم بنا علیهم بها * الله الابهی میفرماید . " و یوم راحت در این دور روز جمعه است ۲- ساعت - تقسیم هر شبانه روز به بیست و چهار ساعت یکی از تقسیمات قرار دادی جدید است که بعنوان یکی از موازین و مقیاسهای بین المللی شناخته شده است و همچنین تقسیمات کوچکتر ساعت از قبیل دقیقه و ثانیه و غیره .

۳- ماههای سال شمسی - برای اینکه ۳۶۵ روز سال شمسی را با واحدهای کوچکتری تقسیم کنند در سیستم های مختلف تقویمهای قدیم یاد نظر گرفتن تعداد روزهای ماه قمری سال را بدوازده بخش سی روزه تقسیم کرده و پنج روز اضافی را که بنام "خمسه متفرقه" در عربی و "اندگاه" در فارسی مینامیدند یاد را انتهای آخرین ماه سال (در تاریخ اوستائی) و یا با آخر ماه هشتم (در تاریخ جلالی) اضافه میکردند بنا بر نقل از کتاب گاه شماری در ایران قدیم قبل از دوره اوستائی دوره ای وجود داشته که سال ۳۶۰ روز بود و در هر شش سال یکبار یکماه بعنوان کیسه بسال اضافه میکردند

این نکته را هم اضافه کنیم که پس از اصلاح -

تقویم در دوره ملک شاه سلجوقی نوروز در اول سال شمسی قرار گرفت و بموجب این قاعده انتقال شمس بمرج حمل نخستین روز سال محسوب گردید . اولاً - در تواریخ قبل از آن نوروز در مواقع مختلف از سال شمسی واقع میشد و در دوره ما هم بطوریکه میدانید با آنکه تاریخ میلادی بر مبنای سال شمسی قرار دارد ولی ابتدای آن اول ژانویه است .

در ایران بموجب قانون ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ هجری - شمسی اول بهار را رسماً اول سال شمسی قرار دادند و بجای ماههای سی روزه با پنج روز اضافی شش ماه اول ۳۱ روز و پنج ماه بعد هر یک سی روز و ماه آخر ۲۶ روز در سالهای کیسه ۳۰ روز قرار داده شد .

در این دور مبارک بطوریکه میدانید سال عبارتست از شمسی و ابتدای آن هنگام تحویل آفتاب بمرج حمل است که ضمناً عید صیام بهائی نیز میباشد و تقسیمات داخلی آن بنا بر نص صریح کتاب مستطاب اقدس و کتاب مستطاب بیان عبارتست از ۱۶ ماه ۱۶ روزه که جمعا ۳۶۱ روز میشود و چهار روز اضافی که با احتساب ساعات اضافی در هر چهار سال یکبار پنج روز اضافی میشود بنام ایام ها نامیده شده و برای آن انجام تشریفات بخصوصی را در کتاب مستطاب اقدس مقرر فرموده اند باید دانست که در این تقسیم تعداد ایام زائده بر شهر بحد اقل ممکن تقلیل یافته در حالیکه تعداد روزهای کلیه ماههای سال نیز متساوی است و تعداد روزهای ماه و ماههای سال نیز متعادل است و مردم اگر واقعا تعصبات عقیده ای و ملی را کنار گذاشته و اصراری در تمسک بعبادات عتیق نداشته باشند بایستی از این سیستم جدید که تحول و تنوعی را در زندگی بشر بوجود میآورد حسن استقبال کنند زیرا با سرعت و حرکت فوق العاده ای که در اجتماع امروز پدید آمده و ارزش واحدهای زمانی را بالا برده است برای تقسیم کار و استفاده از وقت بهتر آنستکه که واحدهای زمانی بیشتری در اختیار داشته باشیم .

بیت خاطر تبلیغ

در طی ۳۲ سال خدمت جهت تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله و مسافرت با طرانی به وقایع و حوادث — گوناگونی برخوردارم و در این راه شاهد ماجراهای شیرین و جالبی بوده ام که گرچه شرح آنها از حوصله این مقال خارج و موجب تضییع اوقات و تلبویل کلام خواهد بود لکن بد نیست بذکر یکی از این خاطره هامبادرت گردد .

سید محسن از اهالی یزد از جمله اشخاص ضروری بود که با دارودسته خود پیوسته موجب آزار و اذیت بهائیان میگردد و فتنه و آشوب بپا میکند شرارت او بحدی بود که نه تنها احباب بلکه اعیان و بزرگان یزد نیز از دستش امان نداشته در پیس و هراس بسر میبردند در این گیر و دار بود که آخوندی از یکی از دهات شهر وارد یزد شده موجب رونق بازار سید محسن و بارانتر شد بدین معنی که یکی از مقدسین یزد در منزل خود بمدت چهل روز مجلس روضه خوانی بپا کرد و سید محسن و عمالش را مأمور گردانند این مجالس نمود در شب آخر روضه آخوند مزبور موضوع بهائیان را پیش کشید و پس از لعن و طعن و تهمت افترای بسیار اظهار داشت که ایها الناس — بها ء الله کتابی بنام ایقان دارد که در این کتاب از شاه شهیدان حسین بن علی بدگونی کرده این موضوع سید محسن را سخت غضبناک کرده به یکی از همقطاران خود دستور داد که نام آن کتاب را یاد داشت کند و بعد اظهار داشت امشب هر طوری شده این کتاب را پیدا میکنم و در صورتیکه این مطلب صحت

داشته باشد کار همه اینها را یکسره میکنم .
دو ساعت از نیمه شب گذشته بود که شخصی در منزل ما را بیدار کرد و کوبید بطوریکه سراسیمه از خواب پریدم و خود را به پشت در ب رساندم و همینکه صدای سید محسن را از پشت در شنیدم از وحشت مو براندام راست شد . مرتب با عریده و فریاد امر به باز کردن در میکرد بالا جبار در را باز کردم و او با حالت خشم و غضب و بدون اجازه وارد منزل شد و اظهار داشت ایقان را بیاور میخوام بخوانم کتاب ایقان آوردم گفت بخوان پرسیدم چه بخوانم — گفت بخوان به بیثم راجع به حسین ابن علی چه نوشته است حقیر فصلی راجع به سلطنت تام تلاوت کردم و در حین خواندن هر جا که لازم بود برایش شرح و توضیح میدادم و تا صبح ادامه داشت در تمام این مدت سید محسن سراپا گوش شده بود و از شدت وحدت اولیه اثر میکاست و تغییر قیافه میداد و آنقدر کلمات عالی و بیانات مهمی منته و عبارات غرای آن سفر جلیل او را شیفته و بیقرار کرده بود که زبان از وصفش عاجز است تا اینکه بالاخره کلام الهی روح ایمان را در او مید و حیات تازه یافت کتاب را بوسیده کناری گذاشت و گفت نمازتان را برای من بخوانید صلوة کبیر را برایش تلاوت کردم گفت خیلی بزرگ است من نمیتوانم تا قیامت آنرا حفظ کنم صلوة وسطی را برایش تلاوت کردم گفت یک نسخه از آنرا بمن بدهه گفتم ندارم — گفت غلبه میکنی خلاصه صورت نماز را گرفت و خارج شد عصر همان روز در بازار بودم که ناگهان سید محسن مرا

آرزوی جانان

دردم ز حد گذشته و درمانم آرزوست
 ای آفتاب عهد بجانم دمی بقیاب
 جانم بلب رسیده و جانانم آرزوست
 انوار آن جمال درخشانم آرزوست
 مردم بگوش غیب تو صد بشارتست
 بسازم بشارتی بدل و جانم آرزوست

هر لحظه نغمه های خوشتر روح بخرم
 از تو هزار نغمه جان بخشش میرسد
 يك نغمه باز زان لب خندانم آرزوست
 از تو نوید عالم بنهانم آرزوست
 لب تشنه ام چو ماهی غلطان بخاک و دشت
 احسان تو چو قلزم و عمانم آرزوست

این مرغ دل شکسته بود در قفس اسیر
 تائید و استقامت و توفیق بندگی
 بران جناح مرغ سلیمانم آرزوست
 دایم براه خدمت یارانم آرزوست
 این قرن قسرن اعظم و وقت خروش و جوش
 چون رعده پر خروش بهر آنم آرزوست

جانم طول گشت ز بی حاصلی عمر
 گرچه معطر است ز سویت مشام جان
 روح بقا ز حضرت سبحانم آرزوست
 يك نفحه باز زان گل و ریحانم آرزوست
 محشور در عوالم بنهانم آرزوست
 عمرم گذشته به سر و سملدن در این جهان

از يك زمان ده دله بیسزار گشته ام
 از رنج دیو و صحبت دد بس دلم گرفت
 آن يك زبان و يك دل و يك جانم آرزوست
 آن روح پاک و صحبت انسانم آرزوست
 قرب و رضای حضرت پیرد انم آرزوست
 "لیلی" هسی سرا ید این ننگه بانیا ز

+++++

بدایع الآثار



در این ایام که مصادف با پنجاهمین سال مسافرت حضرت مولی الوری بغرب است بی مناسبت نیست نظری باین سفرتاریخی اندازیم
سفر طلعت میثاق به دنیای غرب و ابلاغ کلمه الله علی رئیس الاشهاد از اقداماتی است که بفرموده مبارک "اهمیت آن بعد معلوم خواهد شد و فی الواقع ایسن اقدام خطیر اتمام حجتی بود که آن حضرت بدنیسای مادی و بی اعتنای بدیانت غرب فرمودند و آنرا به اطاعت از او امر الهیه و ترک جمیع تعصبات مذمومه دعوت نمودند . همیکل اظهر در باره این سفرتاریخی چنین میفرمایند : (۱)

" اهمیت این سفر بعد معلوم خواهد شد تا حال

چنین امری واقع نگشته و در هیچ عصری دیده نشده که نفسی از شرق باقصی بلاد غرب مسافرت نماید در حالتیکه در تبلیغ امر الله و تعالیم بدیعه و مسائل الهیه در معابد و مجامع ام مختلفه چنان تانم و ناطق گردد که احدی را مجال انکار و اعتراض نماند . بلکه کل مفتون و مجذوب شوند و نهایت عزت و احترام را اظهار نمایند حضرت مسیح در مملکت خود چند مرتبه به بیت المقدس و مجامع اسرائیلیان داخل و به نصائح و مواعظ مشغول شدند . ملاحظه نمائید که بعد علمای مسیحیه چگونه این مسئله را اهمیت دادند دیگر معلوم است این سفر چه اهمیتی پیدا خواهد نمود که مادر کنائس عظمی و مجامع کبری باعلی النداء ندای یابها * الابهی بر آوردیم و مافصح بیسان و اتم برهان بشارت بملکوت الله دادیم و به بیان تعالیم جمال مبارک پرداختیم در معابد یهود باثبات دیانتست مسیح و حقیقت اسلام برخاستیم و در کنائس مسیحیان بذکر عظمت و بزرگواری محمد رسول الله (ص) ناطق شدیم در مجامع اشتراکیون قوانین انتظام و آسایش عالم آفرینش را شرح دادیم در محافل مادیون قوه خارق العاده - ماورا * الطبیعه را ثابت و محقق نمودیم در کنگره های صلح و کفرانسهایی ام ندای جمال قدم را بلند کردیم و بآنچه که سبب انتشار صلح عمومی و ترویج وحدت عالم انسانی است زبان گشودیم بقسی که در هر جمعی جمیع اعناق خاضع شد لسانها بستاایش ناطق گشت دلها منجذب بنفحات الله گردید و جانها مستبشر به بشارت الله دیگر به بینید چه خبر است "

(۱) حضرت عبدالبها * سفرنامه مبارک جلد دوم - صفحه ۷

آهنگ بدیع

جالب و نفیسی بچاپ میرسانند ، یکی از مزایای این کتاب ضمام آن است که از جمله عکسهای متعدد هیگل اطهر و ملتزمین رکاب واحبای - ممالک و شهرهای مختلفه در حضور مبارک و در جماع مختلفه میباشد و هم چنین در آغاز جلد اول نقشه خط سیر مبارک را در امریکا و در جلد دوم نقشه خط سیر ایشان در اروپا مشخص و معلوم گردیده است . ضمناً مؤلف در اواخر هر دو جلد قصائد و غزلیات مختلفی در مدح مرکز عهد و میثاق و ستایش از اثرات این سفر تاریخی بنهایت فصاحت سروده اند .

+++++

بطوریکه ذکر شد جلد اول " بدایع الانارکسه مخصوص شرح مسافرت حضرت مولی الوری بامریکا است در ۳۲ صفحه بقطع پستی و جلد دوم با همان قطع در ۳۹۲ صفحه مخصوص سفر مبارک با اروپا با جلد و کاغذ و چاپ نفیس با خط نستعلیق (بخط شیخ حسین شاه آبادی) بچاپ رسیده است . عموم احبای الهی که مایل به مطالعه کتب امریه نفیسه میباشد باید این دو جلد کتاب شیرین و پر نغز را مطالعه نمایند و از جزئیات سفر تاریخی هیگل اطهر مستحضر گردند . پایان

آنچه در این سفر تاریخی براهالی غرب عجیب - مینمود این بود که شخص محترمی از اهل شرق شرقی که آنهارا غیر تمدن و وحشی میخواندند بغرب آمده و در عواصم و شهرهای مهمه عالم تمدن تشریح دیانت یهائی و اصول تعالیم این آئین نازنین مینماید و داد سخن میدهد و آنانرا بپایه اخوت و برادری وصلح و سلام - دعوت میکند .

+++++

جناب محمود زرقانی که از ملتزمین رکاب مبارک در این سفر تاریخی بوده اند اقدام به تحریر سفرنامه روزانه مبارک از حین حرکت تا تاریخ مراجعت بارض اقدس نموده اند و خلاصه ای از اخبارات و بیانات مبارک و وقت آمد و شرح ملاقاتها و فرمایشات مبارک را در جماع مختلفه در دو جلد سفرنامه مبارکه بنام (بدایع الانارک) ثبت و ضبط نموده اند .

جلد اول این کتاب بشرح مسافرت هیگل اطهر از حرکت از اسکندریه و عبور از مدیترانه و اقیانوس اطلس و ورود و گردش و سیروسفر در امریکا از شرق بغرب تا عزیمت ایشان از نیویورک اختصاص داده شده . جلد دوم مخصوص حرکت از نیویورک و ورود به انگلستان و گردش در ممالک مهمه اروپا تا مراجعت بارض اقدس میباشد

سبک نگارش کتاب بقدری ساده و سهل الفهم و مشغول کننده است که هر خواننده کم سواد و کم حوصله ای نیز بدون اینکه احساس خستگی یا ملال خاطر بنماید بخواند ن این کتاب شیرین رغبت حاصل میکند .

+++++

نویسنده پس از تحریر و اتمام این دو جلد سفرنامه آنهارا بحضور انور تقدیم مینماید و این کتاب بطراز قبول و تائید آنحضرت مزین میگردد . جناب زرقانی پس از آن با مر هیگل مبارک مأمور بمسافرت به هندوستان و ماندن و بنشر این کتاب میشوند و این کتاب نفیس را بسرمایه دو نفر از احبای مخلص و خدوم جناب جوانمرد گشتاسب و اسفند یار بهرام در سال ۱۹۱۴ در رمبئی بنحو بسیار

+++++
+ +
+ " الحمد لله کل بندگان يك خدا وندیم +
+ در ظل عنایت او هستیم مشمول الطاف اوئیم +
+ خدا بجمیع مهربان است ما چرا نامهربان +
+ باشیم خدا با جمیع صلح است ما چرا در جنگ +
+ باشیم نهایت بعضی نادانند باید تعلیم نمود +
+ اطفالند باید تربیت کرد علیل و مریض اند باید +
+ معالجه نمود علیل را نباید مبعوض شسرد +
+ باید در چاره و علاج کوشید " +
+ (از خطابات مبارکه - نقل از بدایع الانارک ص ۴۲) +
+ +
+ (۲۳۱) +



صفحه از يك كتاب

مشكلى چون بحقيقت نگری دلی بی آبرو نیست و هیچ آرزویی من دون محنت و ملال نه پس هرگونه آمالسی سبب زحمت و وبال است و مانع سرور و مسرت بال مگر آمال نفوسیکه دل بجهان الهی بندند سرور روحانی یابند * مسرت وجدانی حاصل نمایند آن نفوس در عین بلا شادند و در نهایت ابتلا آرزو اول و آخر آن مجلس خانم محترمه که عزیزش مرده بود مشرف شد بشفقت و عنایتی فوق العاده او را تسلی میدادند و بساز - بیانات مفصله مکرر با وی فرمودند : «گریه مکن ، مویه نما * فریاد بر میار * اشک از دید * مبار * سرور و حزن دنیا هر دو در گذر است و عزت و ذلت آن هر دو فانی . . . از تأثیرات بیانات مبارکه هر قلبی منقلب میشد و از تعلقات عالم خاک آزاد و متوجه بجهان پاک میگشت .

آن شب در بیرونی جمعی از خانمهای محترمه حقوق طلب بساحت اطهر رسیدند بسیار آنها را نصیحت فرمودند و باعتدال و حسن اخلاق و کردار دلالت نمودند زیرا آن اوقات باز ضدیت و مخالفت آنها نسبت بر رجال دولت و حکومت شدت نموده بود بدرجه ای که دوائی مانند تیزاب ساخته سر هر گذری در چنندوق های پست میریختند که کاغذها متلاشی و ضایع شود تا مردان را عاجز نمایند و آنها را در حفظ و ادا * حقوق زنان مجبور سازند لهذا مگر لسان اطهر نسا * را از ارتکاب اینگونه امور منع میفرمودند بقریبیت و حسن آداب و اخلاق دلالت مینمودند که راه ترقی عالم نسا و حفظ - حقوق ایشان باعتدال در امور و حصول تربیت و آداب - الهیه و کمالات انسانیه مطلق و مربوط است نه درون

روز دهم محرم (۱۱ دسمبر) صبح نطق مبارک در مجمع در خصوص حقوق نسا * بود که باید نسا * در تربیت خود و تحصیل کمالات بکوشند بقریبیت احقاق حقوق - خویش نمایند نه بزور و زجر زیرا بحسن تدبیر و تربیت طلب مساوات نمودن - شأن عاقل است شخص دانا به تحصیل کمالات طلب حقوق خویش نماید اما نادان بقوه جبریه مثلا چون طفل بحد بلوغ رسد همه شهادت میدهند بر رشد و بلوغ او و آخر شرحی از حسن اخلاق اما * الله بهائیان ایران فرمودند که بحسن گفتار و رفتار معامله می نمایند نه بزور و اجبار پس از ختام خطابه مبارکه جمعی از مبتدیان اجازه خواسته باز مشرف شدند و بعنایات بدیعه هر يك مفتخر و مشعوف روز ۱۱ محرم (۲۰ دسمبر) صبح قبل از نطق مبارک در محفل عمومی جمعی از نسا * سئوال از طلاق کردند شرحی در تبیین آیات مبارکه کتاب اقدس از فم صلح صادر و بسیار سبب سرور و انبساط حضار گردید . عرض کردند نبودن طلاق درین بلاد سبب مفاسد کلیه شده حتی اگر مردی دیوانه و مجنون شود یا طرفین از یکدیگر بیزار گردند باز اجرای طلاق مشکل و محالست پس حکایا فرمودند که بسبب عدم طلاق خونهای ریخته شده و آبروی اشخاص محترم بیادرفته اما طلاق با اعتدال و شرائط محکمه عنداللزوم باید باشد و در این خصوص از حضرت بها * الله امر متین و حکم مبین موجود و چون مجلس یومیه منعقد و تالار منزل مملو از نفوس شد نطق و خطابه عائی بر تأثیر در عدم سرور و آسایش حیات جسمانی و غم و اندوه نفوس در دنیا فانی فرمودند که نفسی بی آمال و آرزو نیست سلطان و گدا هر کس مبتلای غمی است و دچار

روز ۲۲ محرم (۳۱ دسمبر) پس از او را دوازده گانه و تشریف جمعی از احباب و اخیار عزم دارالفنون - اکسفورد فرمودند و آن مدرسه از کلیف های معتبر مشهور است از لندن چون مرکب مبارک حرکت نمود پس از دو ساعت بانجا نزول اجلال فرمودند و از ایستگاه - راه آهن یکسره منزل پروفیسور چینی از فلاسفه و مؤلفین مشهور انگلستان تشریف بردند زیرا پروفیسور مذکور در حالت بیماری و ابتلای بمرض فلج بعضی رسائل و جرائد را در خصوص سفر مبارک میخواند و از تعالیم الهیه مطلع میشود اقبال مینماید و شرح حال را حضور مبارک - بامریکا میفرستد و از وجود مبارک وعده خواهی میکند و آرزوی تشریف بلقای انور مینماید آن بود که پس از تشریف فرمائی مبارک بلندن تدارک مجلس مخصوصی در دارالفنون اکسفورد نمود و وجود اقدس را دعوت کرد پس از ورود - اول پروفیسور مذکور را دیدن فرمودند و باکمال عنایت با ایشان بصحبت مشغول شدند و او هم مضامینی را که باحالت بیماری در خصوص امر مبارک مشغول بنوشتن بود ارائه مینمود و منتظر انور میرسانید و در آن حالت شدت ایمان و اطمینان خویش را اظهار میکرد چنان حال توجه و اقبالش در محضر انور مقبول و چندان مؤثر افتاد که مکرر سروصورت او را میبوسیدند و دست مبارک را بروی و مویش می کشیدند تا هماره در منزل پروفیسور چینی میل فرمودند سر میز خود ایشان حرمان باجمعی از دوستان لندن و اکسفورد و خدام حضور در محضر اظہر مشرف بودند عصر پس از آنکه بجای تناول فرمودند و اتومبیل مخصوصی حاضر بابعضی دوستان و ملتزمین رکاب مبارک بدارالفنون تشریف بردند حین نزول قدم اظہر چند نفر از رؤسا که دم در منتظر ورود مبارک بودند بانهایت تعظیم و تکریم خوش آمد گفتند و رئیس بازوی نیگل اقدس را گرفته بیکی از تالارهای بزرگ دارالفنون برد با آنکه ایام تعطیل بود و موسم زمستان معهدا آن تالار مملو از جمعیت بود و از قراریکه در محضر انور معرفی

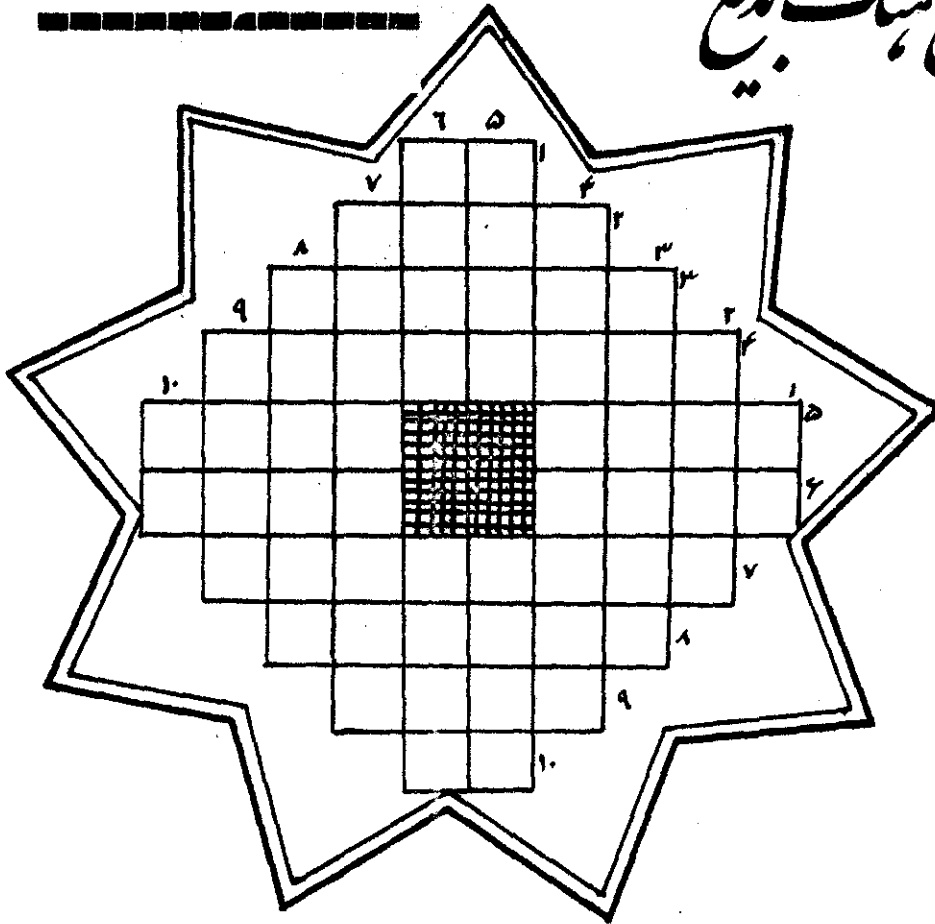
شدند اغلب پرفیسورهای دارالفنون و قسیسهای اکسفورد و اشخاص محترمه انگلند بودند با وجود این حین ورود - مبارک جمیع برخاستند چون اشاره جلوس بهمه عنایت شد رئیس ایستاده شرحی از تاریخ و تعالیم امرالله و بلایا، چهل ساله سجن عکا و اشارات اشعیا درباره این عصر اعظم اعلی و عزت بنی اسرائیل و ورود مرکب عهده الله در مصر باکمال دقت و وقت بیان نموده از قبل کل نهایت تشکر از پرفیسور چینی کرد که ایشان سبب انعقاد چنین محفلی شدند و از علو قدر و مقام پرفیسور مذکور بیاناتی مشروح نموده طلعت پیمان را بنهایت احترام معرفی کرد و چون قامت زیبا قیام نمود فوراً همه دست زدند و آغاز شادمانی کردند پس خوابه ای - مفصل در قدر مقام علم و فضائل این عصر اقدم و تعالیم ظهور اعظم و غلبه قوه ماورا الطبیعه بر قوانین و قوا - طبیعت از لسان مبارک صادر و معانی و اسرار - ملکوتی چون غیث هاطل از سما - فضل نازل بسیار حضاار بشوق و شور آمدند بیانات مبارکه را بگوش هوش می شنیدند و از دقائق عبارات و حقائق مسائل فیض و لذت و اثری بردند و بعد از ختم خطابه مبارکه و ولوله و هلهله نفوس باز رئیس برخاسته از اول مفید تر و مؤثر تر حکایت از حبس مبارک و اهمیت تعالیم بدیعه نمود و بدعای طلعت انور و صون صحت و سرور مبارک و طلب تائید اهل بها مشغول شد .

(. . . . خوب مجلسی بود فقرا را بسیار مسرور دیدم فی الحقیقه قلوب فقرا خیلی رقیق است زود متأثر میشوند وقتی در خداد فقیری در منزل مآدم قالیچه هائی را که آنجا افتاده بود دید دستی بروی آن کشید و گفت خیلی نرم است اگر کسی روی این بخوابد بیشتر خواب میروند و راحت میشود گفتم این قالیچه برای تو باشد بعد از چند روز او را دیدم گفتم :

من گمان میکردم روی قالیچه بیشتر خواب میروم بعد دیدم هیچ فرق نمیکند روی قالیچه بخوام یا حصیر منم قالیچه را فروختم دل فقرا زود می شکند لهذا

جدول اینک بدیع

طرح کنده: فرشنگ نگارستانی



شماره
«ع»

افقی

- ۱- جزه نیست ۲- مجازات ۳- چراغها ۴- مدت آن حداقل هزار سال
- ۵- اطراف ۶- درآویختن و چنگ زدن ۷- همبستگی ۸- معکوس آن ارمیاد
- ۹- اعظم بهائی است ۱۰- اگر جای دو حرف آخر آن حرف نفس بگذاریم پایتخت یکی از کشورهای ارومائی است ۱۱- یکی از فلزات ۱۲- دوستی

عمودی

- ۱- هواپیمای بی طخ ۲- سی کیلو ۳- برتر از مساوات ۴- عصری که در آن
- ۵- هستیم ۶- بهترین دوست ۷- حصاری بر سر اقد مقدسه ۸- عجز و التماس ۹- سوار
- ۱۰- گفتار با دلیل ۱۱- از اسماء الهی است ۱۲- اینهم قلمی بود اگر (ه) بآخرش
- ۱۳- اضافه میشد ۱۴- کوشش

آهنگ بدیع و خوانندگان

★ چون در این شماره یکی دو مقاله مفصل بود که در رخ دانستیم آنها را در دو شماره بافاصله منتشر سازیم. از نظر آنکه رشته کلام در این دو مقاله از دست نرود و بجای دیگر شماره های هشتم و نهم آهنگ بدیع را در یک مجلد منتشر ساختیم. امیدواریم که این تمهید مفید افتد و کمال استفاده از مندرجات این شماره برای خوانندگان عزیز فراهم گردد.

★ جناب جمشید فنائیان چند مقاله از اشعار جد بزرگوارشان متصاعدالی الله میرزا فرج الله فنائیان را برای ما ارسال داشته اند که با اظهار تشکر از لطف و همکاری ایشان ذیلا چند بیت از یکی از اشعار آن مرحوم را بنظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم:

ساقیلی بیار مستانه
تابنوشم بیاد جانانه
آنچنان مست کردم ای ساقی
تا کنم ترک دام وهم دانه
که چو منجون روم بصحرایی
تا ندانم که داشتم خانه
شمع رخ را فروز اندر جمع
تا بدورت شویم پروانه
برده از رخ بگیر تا بینیم

★ روی توای جمال جانانه
★ اخیرا بیاد بود پنجاهمین سال سفر تاریخی حضرت عبدالبها * روح ماسواه فداه بارویا و امریکا که در سال ۱۶۱۱ میلادی انجام گرفت جشن های باشکوه و متعدد در سراسر اروپا مخصوصا انگلستان منعقد گردید

از لحاظ تأثیرات روحانیه ای که این سفر مبارک در انتشار و ترویج امرالله در دیار غرب حائز بود آهنگ بدیع لازم دانست که مالیاتی چند در این شماره در زمینه سفر مزبور برشته تحریر در آورد و برای حصول مقصود به ترجمه مقاله ای از نشریه محفل ملی انگلستان و همچنین بدیع قسمتی از سفرنامه مبارک و معرفی کتاب بدایع الآثار همت گماشت تا بسهم خود در اعزاز و تکریم این سفر تاریخی و یاد بود پنجاهمین سال سفر مزبور شرکت جسته باشد.

★ جناب حسین مهرلیان از شهرستان یزد قطعه شعری بمناسبت روز بین المللی جوانان سروده اند که با عرض تشکر از اظهار لطف ایشان بدرج دو بیت از اشعار ایشان میادرت می‌ورزد.

بنده درگه مولای حنون هستی اگر تو
است صدق ایمان بطلب چون ره محبوب عیان
همچو (مهرابی) اگر اشک بریزی ز فراقش
با صبا گوی که بردامن کرمل گذران است

★ دوست باذوق ما جناب بهرام بیضائی قطعه زیبائی تحت عنوان "مردوسایه اش" برای ما ارسال داشتند. در این تابلو مفسد ناشیه از جنگ و روح نفرت و خشونت بلاد لیلی که بر افراد ملت همدار زمان جنگ مستولی میشود بنحو جالب و بدیعی نموده شده است این مقاله با تجسم حالت بهت و شیمانی شدیدی که بعد از جنگ با افراد مثل جنگ دیده دست میدهد پایان یافته است امیدواریم جناب بهرام بیضائی از این پس نیز با

آهنگ بدیع

آهنگ بدیع همکاری فرمایند .

شب را بمنزلش رفتم و تا صبح مذاکرات تبلیغی بطسول انجامید . باری سید محسن شرور پس از ایمان بامر مبارک یکسب تمام احبای یزد را بمنزلش دعوت کرد در حضور تمام احبا بیا خواست و با صدای بلند شروع کرد به های های گریستن و بعد از گریه بسیار گفت من درباره شما بد کردم بشما ظلم کردم شما را آزار دادم مرا حلال کنید و از تقصیراتم بگذرید . پس از تصدیق باشوقی زاید الوصف بالحنی که مخصوص

خودش بود تبلیغ میکرد و با سر پرشوری که داشت آرزوی خدمت بیشتر و فد اکاری های بزرگتری داشت تا اینکه عاقبت در مهریز از قرا * یزد بملکوت ائبئی صعود کسرد و آخر معلوم نشد که او را مسموم کردند یا سکنه کرد مرگش موجب تأثر خاطرها شد .

بیان

+++++

بقیه صفحه ای از یک کتاب (از صفحه ۲۳۳)

هرچه انسان اسباب سرور آنها بشود جدا دارد .

من در حکا مکسر رفقا را دعوت میکردم اما نمیدانید که فقرای شرق چگونه در عسرتند بیچاره ها چه کنند .

انتهی

+++++

+++++

+++++

++++

++

+

جناب غلام الله صفائی از دامغان دو قطعه شعر یکی بعنوان " در چشمه علی دامناق " و دیگری غزلی در استقبال از یکی از غزلیات حافظ شیراز برای آهنگ بدیع ارسال داشته اند . چند بیتی از غزل ایشان را ذیلا بنظر خوانندگان عزیز میسرانیم :

بنده خاص خدا در حرم یار بماند

ناخن خیره سیه روی و جفا کارماند

عاشقی کو ز جهان حمل تعلق بگسست

در خم گیسوی معشوق گرفتارماند

داروی درد بشر امر جفا نگیر بهاست

ند مجتجب هر که شد آلوده و بیمارماند

عبد وارسته و مجذوب جمال ابهسی

ترك سرکرد و محبوب وفادارماند

پاك شو محرم دل باش که حافظ فرمود

ند " هر که شد محرم دل در حرم یارماند

مشتاقانه در انتظار وصول آثار دیگری از جناب -

صفائی هستیم .

+++++

بقیه يك خاناره تبلیغی از صفحه ۲۲۸

صد از چون بنزدش رفتم گفت فلانی من بعیالم گفتم یا باید بایی شود یا اینکه او را اطلاق میدهم و زن بابی میگیرم گفت آخر من نمیدانم بابی چیست شما امشب بمنزل ما بیا و با او صحبت کن گفتم نمیتوانم گفتم غلط میکنی عیالم منتظر است و حتما باید بیایی بعلی اکبردم گفتم عیالش را بیاورد . مدالب را با محفل - روحانی در میان گذاشته کسب تکلیف نمودم پس از مشورت صلاح در این دیدند که بمنزلش بروم

(۲۳۶)

نوشیدیم و از استانهای ایام جمال مبارک دریغ داد -
 آفتیم و شنیدیم . مادر را در آن شب سروری و سهجتی بود
 زاید الوصف زیرا در بیرون اطاق پای بساط سماور و چای
 جالس بود و بدست آستان بندگان جمال رحمن دلخوش
 و شادمان بود و در ضمن کلمات الهی را میشنید و لذت
 وافر میبرد حوالی سه بعد از نیمه شب بود که يك
 عزیزان الهی متفرق شده رفته و ما مادر را نداده -
 عرض کردیم دیگر برسیزید که بخوابیم - مادر گفت از
 جای نمیتوانم برخیزم و چادر نماز خود را از روی بایسش
 پس زد و معلوم شد که در حین ریختن چای قوری -
 آب جوش از دستش افتاده و تمام آبها روی بایش ریخته
 و همه جار را سوخته چنان سراسیمه گشتیم که قدرت -
 تفوه حتی يك کلمه نداشتیم بعد عرض کردیم - مادر چرا
 همان موقع نگفتی که طبیب آوریم و دوا و درمان نمائیم
 مادر رنگاهی مطواز قدرت و استقامت و بزرگواری نموده
 گفت : من محفل جمال قدم را برهم زدم که بایم
 سوخته پایان

نام نداشته باشد و در مقام فدا نباشد و احساساتش
 احساسات الهی نباشد و روحش منجذب بروح القدس
 نگردد و نورانیت فکر نداشته باشد و قلب مقدس نداشته
 باشد و اعمال خیریه نداشته باشد شبهه نیست که ابد
 کلامش تأثیر ندارد ابد افکارش اثر ندارد آنچه بگوید
 و ننگارد همه بیهوده است پس باید از خدا مسئلت کرد
 که ما را موفق با اعمال خیریه کند ما را موفق با افکار عالیسه
 نماید ما را موفق با اخلاق روحانی کند آنوقت میتوانیم خدمت
 بعالم انسانی نمائیم آنوقت میتوانیم سبب نورانیت عالم
 انسانی گردیم آنوقت میتوانیم خدمت بوحده عالم انسانی
 کنیم آنوقت میتوانیم بنشر صلح عمومی پردازیم امیدوارم
 شما موفق باین اعمال خیریه باشید . پایان

بقیه نمونه از خلوص (از صفحه ۲۲۴)

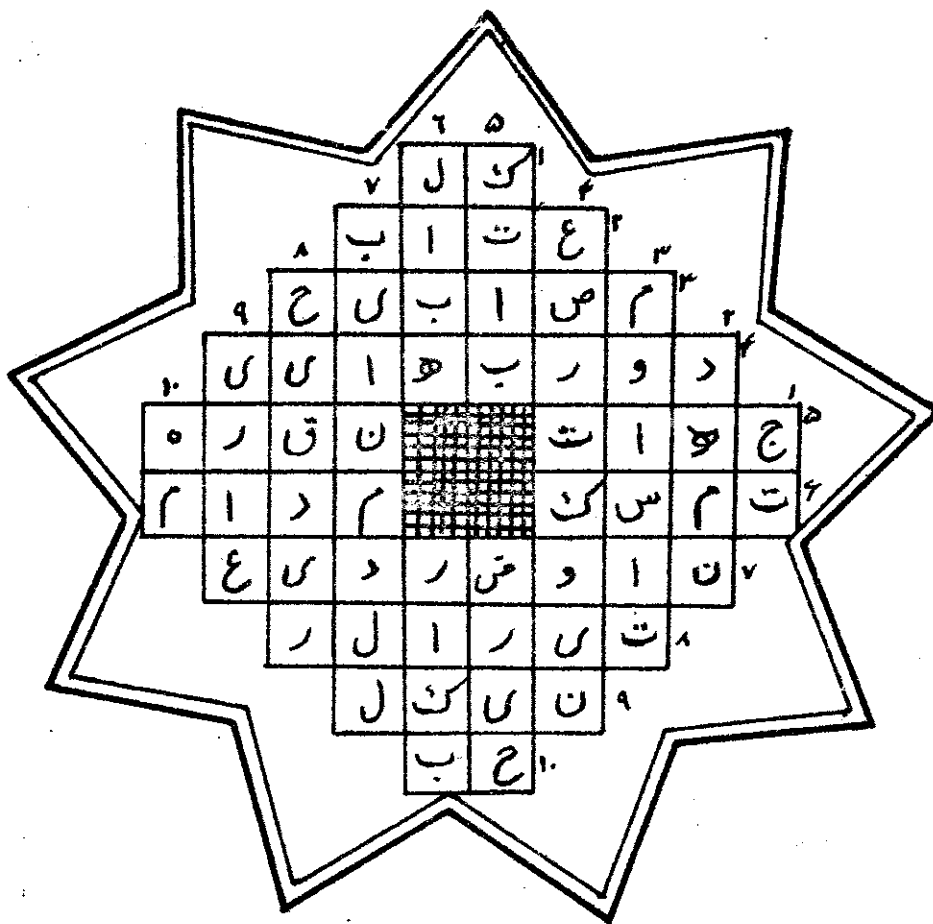
الواح و مناجات و معنی اشعار عاشقانه فارسی که تمام
 را در بیت مبارک آموخته بود کار دیگری نداشت در آن -
 ایام احباب را قوت وحدتی دیگر بود و بارانرا شور و -
 اشتعالی بدیع بنحوی که برخی اوقات قسمتی از شاعر
 را فرس میگردید و چراغ ولاله میگذاردیم واحدی از آن
 ممر عبور نمینمود و همه میگفتند - بابیه عندهم قراه " ه
 یعنی بابیه امشب تلاوت الواح دارند شب از نیمه
 میگذشت و هنوز مستمعین هل من مزید میگفتند چون
 جامهای شراب معنوی پیایی میکشیدند مست و مخمور
 از ماده الست نزد يك صبح بسوی خانه های خود میرفتیم
 و شننگاهی که هوا بارانی و سرد میشد محافل و منازل یاران
 بود شبی در خانه ما محفل بسیار عظیمی برپا شد از مؤمنین
 اولیه کل آمده و مجلس را بوجود خود زینتی خاص -
 بخشیده بودند . جناب حسین آل مسجون هنوز در
 قید حیاتند و خوب یادشان است آن شب الواح و اشعار
 قرائت شد چای تناول گردید خرما خوردیم قهوه -

بقیه مبادی تاریخ و (از صفحه ۲۲۵)

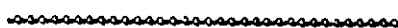
از نظر اهل بها * که پیش از هر مقنن و منجی برای -
 مظهر کلی الهی صلاحیت تغییر و تبدیل قرارداد های
 اجتماعی را قائلند علاوه بر ایمان و ادباعت نسبت با حکام
 جدید این اطمینان حاصل است که در تغییر احکام و شرایع
 و از آنجمله تقسیم ماههای سال و تأمین ایام ها * -
 حکمتهای بالسه خفیه که مربوط بر شد عوامل اجتماعی
 و انسانی و طبیعی است موجود میباشد که بتدریج بر
 عالمیان ظاهر و هوید خواهد گردید . و ایام زائده بر
 شهر (ایام ها *) که قبل از ماه نوزدهم قرار دارد -
 خود آیت و نشانه ایست از ها * هویه (ذات اقدس
 ابهی) ولذا ما تحدت بحدود السنه والشهور
 (کتاب مستطاب اقدس) انتهی

حل جدول شماره

« ٤ »



اعتذار و تقاضا از خوانندگان



در صفحه ۲۱۱ این شماره در مقابل اسم
نویسنده، مقاله، کلمات "ترجمه و اقتباس"
زاید است از خوانندگان گرامی تقاضا دارد
کلمات مذکور را حذف فرمایند.